

طرح فرضی «ربع» و «شهرستان» رشیدی

آزیتا بالالی اسکویی

محمدعلی کی نژاد

استاد دانشکده فنی مهندسی دانشگاه تبریز

عبدالحمید نقره کار

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

کلیدواژه‌گان: بازآفرینی، وقفتامه، ربع رشیدی، سازمان فضایی، طرح فرضی

چکیده

مهم‌ترین اثر شهری دوره ایلخانان است. این شهر با مرکزیت یافتن فضاهای دینی-آموزشی شکل گرفت که الگوی شهرسازی عصر ایلخانان بود. مهم‌ترین منبع و مرجع مستند درباره این شهر «وقف‌نامه ربع رشیدی» است که نوشته بانی آن، خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است. به مدد این متن ارزنده، علاوه بر آشنایی با جغرافیای شهری تبریز، نظام آبرسانی، باع‌های شهری، اصطلاحات و لغات معماری اسلامی، و دیگر ویژگی‌های شهری مربوط به آن زمان، می‌توانیم به طرحی کلی از این شهر و ساختار و سازمان فضایی آن دست یابیم.

ربع رشیدی شامل دو قسمت کلی «ربع» و «شهرستان» بود و با یک طرح شطرنجی از پیش‌اندیشیده و ساختار هندسی منظم، از چهار دروازه به بیرون راه داشت. چهارچوب آن را دو محور عمودی بر هم متصلی به دروازه‌ها تشکیل می‌داد. یکی از این محورها بازار و دیگری ممرزی بود که به ربع می‌رسید. همچنین علاوه بر باروی شهر، باع‌های اطراف آن را به شکل باع‌شهری در آورده و حدود خارجی اش را محصور کرده بودند.

با ورود اسلام به ایران، تمدن ایرانی در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله معماری و شهرسازی، از این آین جدید تأثیر پذیرفت. مطابق با این تحولات، ساختار پیشنهاد شهربانی، ساختاری ایرانی - اسلامی شد. آگاهی از این ساختار برای شناخت پیشینیه ایرانیان در زمینه شهرسازی و معماری ضروری و مقدمه‌ای است برای رسیدن به طرح معماری و شهرسازی شایسته ایرانیان.

متاسفانه به سبب وقوع حوادث طبیعی و غیر طبیعی بسیار در طول زمان، دسترسی به این ثروت‌ها و مطالعه مستقیم آنها در بسیاری از موارد به راحتی میسر نیست. از این رو، برای بررسی این شهرها و بازسازی تصویر آنها در ذهن، ناگزیر باید به منابع مکتوب هر دو ره روگو کرد؛ کتاب‌ها و نسخ و متون ارزشمندی که می‌توان تاریخ گم‌شده معماری و شهرسازی را از لایه‌لایی سطحی آنها به دست آورد.

این نوشته به بررسی طرح فرضی یکی از شهرهای تاریخی مهم به نام ربع رشیدی اختصاص دارد. ربع رشیدی به لحاظ جامعیت،

پرسش‌های تحقیق

محققان درباره طرح ربع و شهرستان
رشیدی چه نوشتند؟
طرح ربع و شهرستان رشیدی چگونه
بوده است؟

مقدمه

حمدالله مستوفی، از مورخان هم‌عصر خواجه رشیدالدین، در کتاب *نزههه القلوب*
نوشته است:

در بالای شهر {تبریز} وزیر سعید خواجه رشیدالدین، طالب ثراه، به موضع
ولیان کوه داخل باروی غازانی، شهرجهه دیگری ساخته و ربع رشیدی نام کرده و
درو عمارت فراوان عالی برآورده.

از گفته او پیداست که ربع رشیدی در دامنه ولیان کوه در تپه‌های عین‌علی
واقع بوده که اکنون با نام محله ششگلان (ششگیلان) و با غیشه در جانب چپ
دامنه کوه سرخاب (شمال شرقی تبریز) قرار دارد «ت ۲۱ و ۲۰».
بر پایه مقدمه مفصل وقف‌نامه، باقی با استناد به آیات قرآن و احادیث، وقف
را از بهترین اعمال صالحه دانسته و عمل خود را به لحاظ کیفی و کمی تا آن
زمان برتر از تمام نمونه‌های مشابه در سرزمینهای اسلامی شمرده است. او در
فکر ایجاد تأسیساتی بود که علماء و دانشمندان در آن جمع شوند و علوم زمان

ت ۱. نقشه هوایی تبریز سال ۷۳
(حدوده تاریخی شهر و مقایی
ربع رشیدی)



۱. حمدالله مستوفی قزوینی، *نزههه القلوب*، به تصحیح و تحسیی محمد
دیرسیاقی، تهران، ط، ۱۳۷۸، ص ۷۸

علاوه بر «ربع» که هستهٔ دینی و علمی شهر بود، شهر رشیدی جهت سکونت کارگزاران و مجاوران «ربع» شامل «شهرستان» رشیدی نیز بود که علاوه بر محله‌ها و خانه‌های مسکونی، فضاهای شهری‌ای چون بازار و مسجد و حمام و کاروان‌سرا و مصلا و گازرگاه و کاغذخانه و ضرابخانه و دارالمساکین هم داشت.

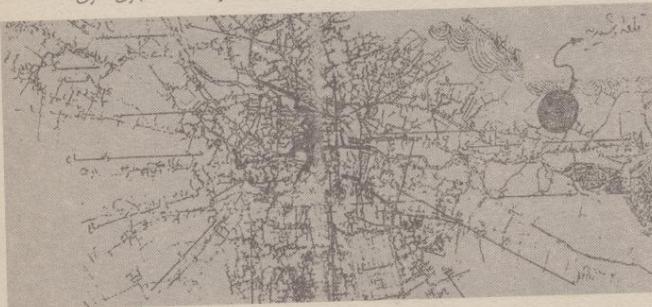
مسئله و پیشنهاد آن

ربع رشیدی در سدهٔ هشتم هجری بزرگ‌ترین مجموعهٔ وقفی، علمی، آموزشی، و دینی بود. این شهر با همت و درایت داشتمند و مورخ و نویسندهٔ برجستهٔ این دوره، خواجه رسیدالدین فضل الله همدانی، در شرق تبریز احداث شد و با جذب عالمان و طبیان و هنرمندان و صوفیان و عارفان و صنعتگران از نقاط مختلف ایران و جهان، به زودی مرکزیت علمی و دینی و فرهنگی یافت.

سازمان فضایی ربع در دورهٔ ایلخانان، نمودی از معماری و شهرسازی و تجلی جهان‌بینی و فناوری این روزگار بود. از این رو، چند و چون فضاسازی و معماری آن موضوعی است شایستهٔ مطالعه‌ای دقیق و فراگیر. با اینکه از این مجموعهٔ عظیم چیزی به جا نمانده است، از شواهد چنین بر می‌آید که طراحی آن با برنامه‌ای دقیق و بر طبق اصول مهندسی انجام یافته است؛ چنان‌که در وقت‌نامهٔ آمده است: «و مهندس داند که هر

۲. محمد مهدی بروشكى،
بررسى روش اداری و آموزشی
ربع رشیدی، مشهد، آستان قدس
رضوی، ۱۴۶۵، ص ۶۲

۲. نقشه دارالسلطنه تبریز
۱۴۹۷ هجری قمری



را به پیش بزنند. به همین سبب مجموعهٔ بزرگ ربع رشیدی را برپا کرد. علاقه و اشتیاق خواجه بدین کار چنان بود که با وجود اشتغالات سیاسی، از نخستین روزهای شروع ساخت مجموعهٔ تا پایان حیاتش، بر تمام امور ربع رشیدی مستقیماً نظارت می‌کرد و مهندسان و صاحبان فنون گوناگون را به یاری و مشاوره می‌گرفت. پس از اتمام کار ساختمان، تولیت‌نشان را نیز تا پایان عمر شخصاً عهده‌دار شد.^۲

در باب اول وقفنامهٔ بقاع ابواالبر رشیدی چنین توصیف شده است: شامل دو قسمت بوده که بخشی از آن را پیش‌تر ساخته و باروی به دور آن کشیده بودند. این قسمت درگاهی داشته که دارای دو مناره نیز بوده است. قسمت دوم را بعدتر بنا نهاده و باروی (دیوار) را آن به باروی مجموعهٔ پیشین متصل کرده و دروازه‌ای دیگر در بیرون آن ساخته‌اند. خواجه مجموعه این دو قسمت را «ربع رشیدی» نامیده است (ص ۴۱).

بقاع خیر که اصل و هدف بانی بوده، چهار قسمت اصلی داشته است:

۱. مکانی که ساکنان با علم آموزی و مباحثه، که طریق و روش علما و دانشمندان است، به تکمیل و تقویت شخصیت و نفس خود بر حسب «قوای نفسانی» می‌پرداختند (ص ۴۲ و ۴۳).

روضهٔ ربع رشیدی را برای این مهم در نظر گرفته بودند.

۲. مکانی که ساکنان با سیر و سلوک، که طریق و روش اهل تصوف است، به تکمیل و تقویت شخصیت و نفس خود بر حسب «قوای بدنی» می‌پرداختند (ص ۴۲). خانقاہ ربع رشیدی را بین منظور ساخته بودند.

۳. دارالضیافه برای اشخاص صحیح المزاج بنا شده بود (همان‌جا).

۴. دارالشفا را برای درمان بیماران ساخته بودند (همان‌جا). بر این اساس، ربع رشیدی دارای چهار قسمت اصلی روش، خانقاہ، دارالضیافه، و دارالشفا بوده است.

بر شمرده‌گه در هر یک، هر چند به شکلی جزئی و نامستقیم، بخشی از فضاهای این شهر توصیف شده است.

هدف و روش تحقیق

هدف از این تحقیق، شناسایی ساختار کالبدی و اکتشاف سازمان فضایی ربع رشیدی و بازآفرینی ذهنی طرح آن است. از آنجا که نشانه‌های فیزیکی موقوفات رشیدی به کلی از میان رفته و تا کنون اکتشافات باستان‌شناسی کاملی برای یافتن آنها به عمل نیامده است، اراده طرحی فرضی بر اساس اطلاعات «وقفنامه ربع رشیدی» تا حدی راه‌گشای تحقیقات آینده است.

روش این تحقیق مبتنی بر دقت در مطالب و نکات ذکر شده در متن وقفنامه و تحلیل محتوای آن است که شامل مراحل زیر است:

۱. مطالعه عمیق وقفنامه و تحلیل محتوای آن به منزله مهم‌ترین منبع تحقیق.
۲. مطالعه دیگر نوشهای خواجه رشیدالدین و آثار سایر مورخان آن عصر.
۳. بررسی تحقیقات پژوهشگران معاصر درباره ساختار معماری و شهر در دوره ایلخانان.

نقد و تحلیل طرح‌های فرضی ربع رشیدی

از آنجا که شناسایی ربع رشیدی بحثی گسترده است و تحقیقات مفصلی درباره آن به انجام رسیده است، ارزیابی تجزییات پیشین مرحله‌ای مهم از هر بررسی تازه‌ای در این زمینه است. به همین منظور، چهار نمونه از تحقیقات و طرح‌های گذشته را در ابتدای کار نقد و بررسی می‌کنیم. گفتنی است که محک و مرجع این نقد و دیگر یافته‌های این نوشتار، اطلاعات مندرج در «وقفنامه ربع رشیدی» است.

هر یک از این طرح‌ها نقاط قوت و ضعفی دارد. پروفسور هوفمان در طرح خود بیشتر به مکان‌بایی کلی فضاهای ربع

یک جهت کجا و پیوند آن چگونه است. [...] چون خواهد که دیگران بدانند و بینند، بر آن قادر باشد که هم شرح بدهد و همه را برایشان هر یک به جای خود ترکیب کند» (ص ۷). ربع رشیدی به لحاظ معماری و شهرسازی از مهم‌ترین ساخته‌های بشر است؛ به همین سبب، چندین محقق ایرانی و غیر ایرانی به تحقیق درباره آن پرداخته‌اند. دالند ویلبر،^۳ شیلا بلر،^۴ بریگیت هوفرمان^۵ محمدحسن لواسانی، و احمد سعیدنی از آن جمله‌اند. اما نبود بازمانده‌ای از این مجموعه و به تبع آن عدم امکان مطالعات میدانی، عرصه پژوهش در این زمینه را تنگ و کشف اسرار آن را دشوار کرده است. این عوامل موجب شده که تا به امروز طرح و نقشه‌ای دقیق از سازمان فضایی ربع رشیدی به دست نیاید و چگونگی ساختار مجموعه همچنان مهم بماند.

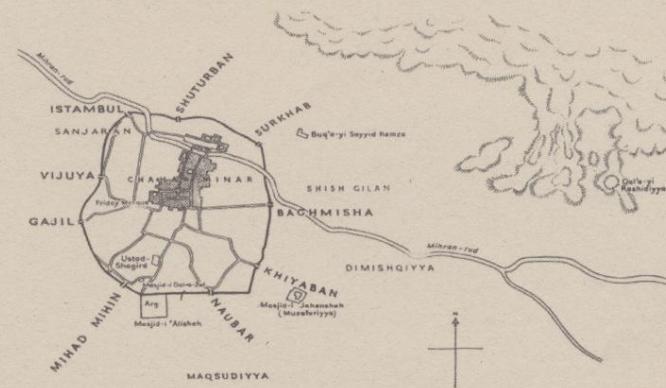
با این همه، منابعی در دست است که راه پژوهش در این زمینه را تا حدی می‌گشاید. این منابع همان منون تاریخی و اسناد مربوط به این دوره است که در نوع خود بی‌نظیرند. از جمله این آثار می‌توان تاریخ مبارک غازانی، جامع التواریخ رشیدی، مکاتبات رشیدی، و مهم‌تر از همه «وقفنامه ربع رشیدی» را

3. Donald Wilber

4. Sheila Blair

5. Brigit Hofman

ت. ۳. طرح نقشه‌ای از معابر و دروازه‌های تبریز و ربع رشیدی Hofman, Brigit, Wagf im Mongolischen Iran.P36





پرداخته و بدين منظور آن را در دو بخش «خانقاہ» و «روضه» بررسی کرده است. دکتر سعیدنیا هم مجموعه را در دو بخش جداگانه مطالعه کرده است: «ربع» و «شهرستان» رشیدی. بر همین اساس، نگارنده ابتدا به نقد تحقیقات این دو پژوهشگر می‌پردازد و پس از ارائه طرح خود، فضاهای مجموعه را با آنچه در وقفا نامه آمده، تطبیق می‌دهد. همچنین برخی گفته‌های پروفسور شیلا بلر و کلیت طرح دکتر لواسانی هم نقد خواهد شد.

بررسی و تحلیل طرح‌های فرضی ربع رشیدی

طرح فرضی ۱: فرضیه هوفمان^۶

از آنجا که این طرح با مطالعاتی گستردۀ در زمینه شهرسازی دورۀ ایلخانان و توجه ویژه به ربع رشیدی به انجام رسیده، شایسته بررسی و مطالعه‌ای عمیق است. هوفمان در طرح فرضی‌اش بیشتر به کلیت مجموعه پرداخته تا به جزئیات آن، او نقشه‌ای از معابر و دروازه‌های تبریز و بخش ربع به دست داده که همخوانی زیادی با اخبار مندرج در وقفا نامه دارد «ت^۳». این محقق در نقشه‌ای دیگر به جای گزیری کلی فضاهای پرداخته است. جای گیری چهار فضای نشان داده شده در این طرح با وقفا نامه تطابق ندارد. بعد از گذر از «باب‌الابواب» به فضایی باز به نام «مفتح‌الابواب» می‌رسیم. با دقت در معنی عنوان «مفتح‌الابواب» — محل گشوده شدن درها — می‌توان دانست که تمام درهای کلیدی به این فضا باز می‌شده است. همچنین مطابق متن وقفا نامه، درگاه کوچه روضه هم به این فضا و ورودی فضاهای مهم به کوچه روضه گشایش می‌یافته است. بر این اساس، شاید بتوان آن را نوعی «ورودی غیر مستقیم» دیگر فضاهای (دارالشفا و خانقاہ وغیره) دانست^۷ (ص ۱۸۹ «ت^۴»).

ت. ۴. طرحی از کاربری‌های کلی ربع رشیدی از هافمن، (همان، ص ۴۲)

۶. خانم پروفسور هوفمان رسالة فوق دکتراش را درباره ربع رشیدی با انتکا به «وقفا نامه ربع رشیدی» در سال ۲۰۰۰ رسی نظر پروفسور فرگیر به انجام رساند.

۷. «سقا خانقاہ و مجاوران حجره‌ها و مطبخ آن و مجاوران سباط خانقاہ و مر آن تا درگاه روضه و درگاه مناره و سقایه که در آن مر آست» (ص ۱۸۹). «سقا دارالضیافه و مطبخ آن و مجاوران و مسافران آن و مفتح‌الابواب تا درگاه اولین ربع رشیدی و سقایه‌ها که در دور ساخته آمده» (همان‌جا).

۸. «دارالحفظ [...] قبه که در تحت آن سردابه است». «در موضوعی که شیکه قبیل قبه بر آن نهاده و خارج آن قبه بر در شیکه منکور صفة کوچک ساخته‌ایم». «بالای این زیرزمین گند است که آن بیت‌الحفظا گردانیده تا آن صفة کوچک که متصل گند است و پیش آن به شیکه چوبین برآورده» (ص ۱۲۵).

۹. «که او همانند نایب متولی است و آن بر سردرگاه روضه است از جانب ایسر» (ص ۴۳).

برخی از مواردی که در طرح هوفمان جای گیری درستی ندارند عبارت‌اند از:

- روضه

۱. قبه (مقبره) خود دارای ایوانی است که در مقابل ایوان بزرگ مسجد روضه (صفه صدر) قرار دارد (ص ۱۳۵): اما در این طرح مقبره در پشت صفة صدر و مسجد زمستانی در کنار این صفة طراحی شده است.
۲. سرای ناظر در بالای سر درگاه ایسر روضه (آشکوب بالا) است^۸ (ص ۴۳) نه در مجاور سردرگاه.
۳. مجاور ورودی خانقاہ و جهت خانه‌های حفاظ، غرفه‌هایی معروف به حجره‌های سباط وجود دارد (ص ۴۳) و بعضی دیگر از حجره‌ها نیز در بالای دارالشفا قرار دارند (همان‌جا).

۱۰. «حجره‌ها که نزدیک در خانقاہ است [...] آن معروف است به حجرهای سایا و بعضی حجرهای برا با ای دارالشفا و بالای درگاه بیرونی ربع رسیدی واقع اند؛^{۱۰}

ولی هوفمان در این طرح، حجره را در بخش روضه در نظر

نمگرفته است.

۱۱. همچنان مشتمل است بر دارالصالح و کتبالحدیث و آن در جوار مسجد شستوی است»^{۱۱}

(ص ۴۲ و ص ۱۳۳)، در این طرح دیده نمی‌شود.

۱۲. دیگر حجره متعلق به هم بر سرای متولی^{۱۲} متصل به روضه است (ص ۴۳) نه در داخل آن «ت».^{۱۳}

- خانقاہ

۱. تابخانه اتفاقی زمستانی است که در پشت باغچه قرار

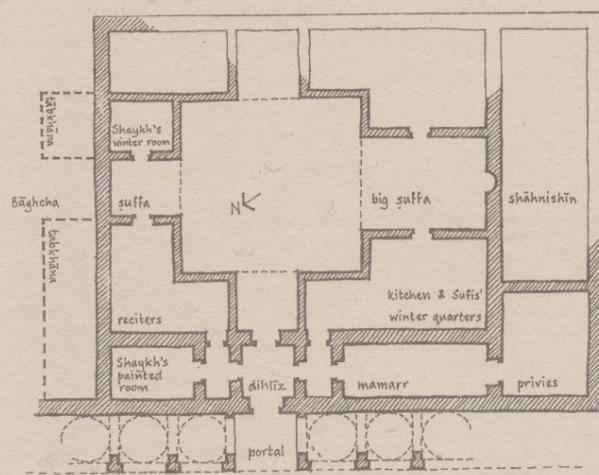
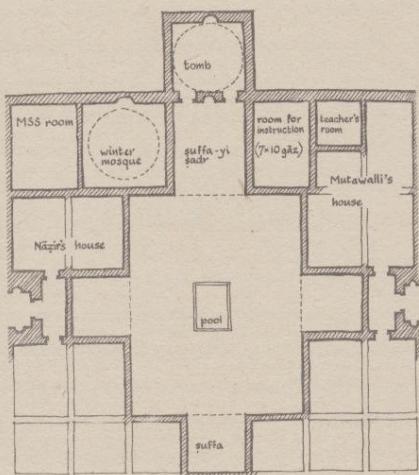
دارد^{۱۴} و در صورت نیاز، بخشی از باغچه را می‌توان به فضای

تابخانه افزود (ص ۱۷۸)؛ اما هوفمان در این طرح تابخانه را

بخشی از فضای باغچه در نظر گرفته است.

۲. پشت ایوان بزرگ خانقاہ، فضاهایی مانند شاهنشین در نظر

به آن خواهیم پرداخت.



گرفته شده که در وقفنامه غیر از باغچه^{۱۰} از فضای دیگری سخن نرفته است (ص ۱۷۸).

۳. به مفهوم شاهنشین در معماری ایرانی توجه نشده است.

شاهنشین^{۱۵} بخشی از فضای تابخانه و طبی است (ص ۱۹۶)

نه فضایی مجزا.

۴. سرابستان^{۱۶} در پشت گنبد مسجد روضه قرار دارد (ص ۴۳)

که در این طرح نادیده گرفته شده است («ت ۶»).

در یک پرسنی کلی می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات

پروفسور هوفمان دارای ارزش بسیار است ولی او فضاهای

کاربری‌ها را جدا از هم و نامرتبط با هم دیده است (چنان که

دیدیم، فضاهای دو بخش روضه و خانقاہ را جدا از هم ترسیم

کرده و به ارتباط آن‌ها نپرداخته است). یکی از نکات شایان

توجه در این طرح، حای گیری صفحه‌ها (فضای چهاریوانی) است

که نیازمند مطالعه بیشتری است و در طرح پیشنهادی نگارنده

به آن خواهیم پرداخت.

طرح فرضی ۲: فرضیه احمد سعیدنیا

در بین طرح‌ها و تحقیقات پژوهشگران داخلی، این طرح تا به امروز معتبرترین و کامل‌ترین طرح فرضی است و بسیاری از محققان در مقالات و تحقیقات اشان از آن بهره برده‌اند. مبنای کار سعیدنیا وقفنامه بوده اما از پژوهش‌های محققان خارجی، به ویژه هوفمان، هم استفاده کرده است. در اینجا ضمن ارج‌گذاری به طرح این محقق، بخش‌هایی از آن را که با مبانی و جملات وقفنامه همخوانی ندارند، بررسی می‌کنیم.

- تحلیل «ربع» رسیدی

۱. دارالضیافه: در این طرح دارالضیافه‌های ایمن و ایسر هر دو در یک سوی مفتح‌الابواب قرار گرفته و آنبارها در رویه‌روی آنها واقع شده است. با توجه به اینکه هر یک از این دو دارالضیافه برای خود دهليز و حوايج خانه‌ای (ابنار) مجزا داشته است، تخصیص چنین فضای پرگاری برای آنبار نه منطقی می‌نماید و نه در وقفنامه به آن اشاره‌ای شده است. برای تفکیک بهتر دارالضیافه‌ها و درک بهتر مفهوم ایمن و ایسر – با عبارت قرار دادن ورویدی (باب‌الابواب) – به نظر می‌رسد دارالضیافه‌ها در سوی باب‌الابواب قرار داشته‌اند. مطبخ‌ها هم در این طرح بیرون از محدوده دارالضیافه قرار گرفته‌اند، در حالی که با توجه به متن وقفنامه، مطبخ^۷ بخشی از فضای دارالضیافه است (ص ۴۲).
۲. مفتح‌الابواب: مطابق توصیفات وقفنامه، فضایی باز با صحن و حوض و چهار ایوانی بوده است^۸ نه یک هشتی (ص ۱۴۲، ص ۱۶۸، ص ۱۹۵).
۳. دارالشفا: به مفهوم رواق و رواق‌المرتبین توجه نشده است.^۹ در حالی که دارالشفا فضایی چهار ایوانی و دارای صحن است، در این طرح فقط موقعیت آن نشان داده شده است (ص ۴۲، ص ۱۴۵، ص ۱۶۹، ص ۱۸۹).
۴. خانقاہ: به عنوان فضایی چهار ایوانی در نظر گرفته نشده



شرطی انسجام و وحدت مجموعه و سلسله مراتب آن به هم می ریزد.

۴. به جوی هیرآباد^۳ که از داخل شهرستان می‌گذرد، در این طرح توجه نشده است (ص ۲۱۳).

۵. مصالی شهرستان در این طرح مشخص نشده است.

۶. بر اساس متن وقفنامه، محله عزآباد در زمین‌های پهلوان سعید قرار گرفته^۴ (ص ۲۱۱)، در حالی که سعیدنیا این دو را جدا از هم در نظر گرفته است (ت ۸).

طرح فرضی ۳: فرضیه شیلا بلر

خانم بلر در پژوهشی با عنوان «معماری و جامعه در دوره ایلخانیان: تحلیل وقفنامه ربع رشیدی» برخی جملات و قفظنامه را با هدف ارائه طرحی فرضی از ربع رشیدی تحلیل کرده است. گفتنی است که بler در سال ۱۹۹۳ از سوی دانشگاه بیل امریکا مسئول نگارش کتاب هنر و معماری اسلامی بوده و یکی از مهم‌ترین فصل‌های این کتاب را به «هنر و معماری اسلامی در

۱۱. مطابق متن و قنونامه اینبارها پشت دیوار بیرونی روند فرار دارند (ص ۴۳) چنان که پیش تر گفته شد، جایگیری اینبارها در مجموعه صحیح به نظر نمی رسد.
 ۱۲. بیت الکتب: درون سرای متولی کتابخانه‌ای دیگر بنا شده ۲۵ هکتار نگهداری از کتاب‌ها بوده (ص ۴۳ و ۱۵۰) اما در این طرح نمایان نشده است.
 ۱۳. درسرا: ورودی سرای متولی متصل به درسرا است (ص ۴۳) که در این طرح در دیده نمی شود (تصویر ۷).

- تحلیل «شهرستان» و شیبدی

۱. موقعیت دروازه عراق صحیح نیست؛ سازماندهی کل شهر تحت تأثیر آن قرار گرفته است.^{۳۷}
 ۲. محله صالحیه که از مهم‌ترین محله‌های شهرستان رشیدی است^{۳۸} و توصیف مفصل آن در وقفتامه آمده است (ص ۱۷۲)، در این طرح مشخص نیست.
 ۳. در این طرح، سردرگاه ایسر به دروازه موغان می‌رسد، اما در متن وقفتامه در این باره مسخنی نزفته است. در چنین

ایران و آسیای مرکزی در دوره ایلخانان و تیموریان «اختصاص داده است.

بلر در توصیف مجموعه ربع رشیدی و مراحل ساخت و ساز آن این گونه نوشته است:

بنای بر وقفنامه، اراضی متعلق به بقعه (بیقات آن) از مجاری خیریه (ایوابالبر) شامل دو ناحیه بوده است: آنکه در جلو {باقعه} بوده باروهای داشته است و براپش دروازه‌ای (درگاه) با منازه‌هایی متصل بدان ساخته بودند؛ آنکه در پشت {باقعه} بوده دروازه‌ای دیگر و نیز باروهای داشته است. باروهای جلو و پشت به هم متصل می‌شده و آن دو زمین را به هم می‌پیوسته است. خواجه رشیدالدین کل این مجموعه را «ربع رشیدی» خوانده است. برج‌های آجری و باروی مذکوری که امروز از آن مجموعه به جا مانده است، اگر هم باروهای اصلی نباشد، باری جایگاه مجموعه اصلی را نشان می‌دهد.^{۲۱}

با استناد به متن وقفنامه^{۲۲} درمی‌باییم که ربع در دو مرحله و با فاصله‌ای زمانی احداث گردیده است. در مرحله نخست، پخش اول را شامل روضه، دارالشفاء، خانقاہ ساخته و باروی پیرامون آن کشیده و درگاهی در سارو تعییه کردند که درگاه مناره خوانده می‌شود. در مرحله دوم، دو دارالضیافه به مجموعه افزوده و بارویی جدید به دور آنها کشیده و درگاهی را که در وقفنامه از آن با عنوان درگاه بیرونی یاد شده، در آن ساخته‌اند. از طرف دیگر، با توجه به آنچه از مطالب وقفنامه بر می‌آید،^{۲۳} درگاه مناره و درگاه بیرونی با هم مرتبط‌اند و فضای ارتباط‌دهنده این دو مفتح‌الابواب است (ص ۴۱، ۴۲، ۶۸، ۶۹)؛ در حالی که در طرح بلر، دو درگاه مربوط به دو بخش، جدا از هم‌اند و ارتباطی با هم ندارند. هر چند بلر در جایی دیگر درگاه مناره و درگاه بیرونی را یکی در نظر گرفته و نوشته است:

«جلوخان ربع رشیدی به سردری رفیع و دواشکوبه می‌رسید که بدان درگاه بیرونی یا درگاه اولین می‌گفتند و در طرفین آن

منارهای بود. [...] در آشکوب بالا [...] چند اتاق تو در تو [...] برای میهمانان ممتاز تعییه شده بود»^{۲۴}

در طرح بلر «مرمر» به منزله حیاطی جلوخانی در نظر گرفته شده است.

«مرمر [...] در اینجا مقصود صحنه است، زیرا مکان منظور آن قدر فراخ بوده است که به هشت چراغ نیاز داشته باشد و در یک جانب آن دری به سمت معبری بوده که به محله صالحیه راه می‌برده است».^{۲۵}

اگر مرمر را یک صحنه و در واقع یک حیاط جلوخانی در نظر بگیریم، وجود مفتح‌الابواب غیر منطقی می‌نماید؛ چرا که در ربع این فضا نقش حیاط جلوخانی را ایفا می‌کند. بلر در توجیه این مسئله تعدد چراغ‌های به کار رفته در مرمر را مطرح کرده است:

در حالی که اگر این فضا را صحنه فرض کنیم، بزرگتر از صحنه روضه نیست. در متن وقفنامه تعداد چراغ‌های روضه چهار عدد ذکر شده است که کمتر از تعداد چراغ‌های مرمر (هشت عدد) است. ۳۶ بنا بر این، کوتاه چراغ‌های مرمر دلیلی بر صحنه بودن آن نیست. بر همین اساس، منطقی تر آن است که مرمر به معنای یک مسیر و محل عبور بوده باشد و چراغ‌ها را در طول آن برای چهت‌یابی بهتر در نظر گرفته باشند (ص ۶۷ و ۴۳).

تفاوت دیگر طرح خانم بلر با طرح نگارنده، مکان‌یابی طبی در خانقاہ است. در متن وقفنامه از موقعیت طبی سخنی به میان نیامده است. در طرح بلر بر اساس نمونه‌های عثمانی از همان دوره، این فضا یکی از ایوان‌های خانقاہ در نظر گرفته شده که البته ممکن است گزینه‌ای صحیح باشد. اما نگارنده در تعیین مکان طبی از نمونه‌های معماری ایرانی بهره گرفته است.^{۲۶} بلر بیان کرده که شکل خانقاہ ربع رشیدی از بیرون نامنظم بوده است. با توجه به اینکه کل مجموعه ربع و شهرستان رشیدی از پیش طراحی شده بود، نامنظم بودن شکل خانقاہ، هر چند از

که در سرای متولی است و کتب که در آنجا نهاده» (ص ۱۵۰).

۲۶ «سرای متولی که متصول روضه ایست و در آن متصول است به درس ربع رشیدی» (ص ۳۴).

۲۷ در این نقشه تبریز، ربع رشیدی، و محور جاده عراق به تبریز و بیرونی رشیدی مشخص شده است. عراق در جنوب تبریز و ربع رشیدی واقع است.

۲۸ «و این مطلعه صالحه محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه آن در مرز بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می‌روند و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می‌روند» (ص ۱۷۳).

۲۹ «و از آنجا به جنب جوی هیرآباد که به شهرستان می‌گذرد بر پرده شده و این مرز از سه کهربایز است» (ص ۲۱۲).

۳۰ «مقسم دوم به لوله مذکور، سه اوله این مقسم در حدود موضعی نهاده که آب کهربایزی رشیدی‌آباد مذکور [...] کرده بر رضه ربع رشیدی رفته و این سه لوله چهت حقایق محلات عزایاد است که این سه زمین‌های پهلوان سعید زیر پشت‌های سرخاب نهاده شده» (ص ۲۱).

۳۱ «شیلا بل، «عماری و جامعه در دوره ایلخانیان: تحابی و قنات» ربع رشیدی، ترجمه مهرداد قیومی، در: گلستان هنر، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۳۹.

۳۲ «[...] بر این مقدمات [...] در بنای ابوالمر ربع رشیدی و سایر ابواب البر که به هر موضع بنیاد کرد، صرف گرد و اسلامی که پیش از این داشته، اکثر آن بر مصالح ربع رشیدی وقف

بیرون غیر منطقی می‌نماید، غالباً در بافت‌های ارگانیک مشاهده می‌شود.

در طرح بلر نیز همچون طرح سعیدنی، مسجد زمستانی در

جانب چپ مسجد تابستانی در نظر گرفته شده است. اما نگارنده در طرح فرضی خود مسجد زمستانی را - که دارای گنبدی است - در پشت صفة صدر در نظر گرفته است. بلر در طرح خود مسکن متولی (ص ۴۳) و ناظر (ص ۱۶۰) را رو به روی هم و در کنار درگاه‌های روضه در نظر گرفته است؛ در حالی که با توجه به متن وقفاتمه، مسکن ناظر بالای سردرگاه ایسر است نه در کنار آن.^{۲۴}

بلر همچنین مکان بیت‌الکتب را جنب خانه ناظر ذکر کرده است:

در جنب خانه ناظر دارالکتب [است] [...] در برابر مسجد زمستانی واقع بود و مدخل هایی در چه و راست داشت.^{۲۵}

بر اساس متن وقفاتمه (ص ۴۳)، مکان یابی صحیحی نیست.

آنچه طرح روضه بلر را از طرح نگارنده کاملاً متمایز می‌سازد، موقعیت یابی مقبره در روضه است. بلر مقبره و مسجد را در یک سمت روضه و در کنار هم در نظر گرفته است؛ به این ترتیب که مقبره را در پس صفة صدر قرار داده است. در وقفاتمه ایوان جلو مقبره با عنوان «صفة کوچک» یاد شده است.^{۲۶} بنا بر این، این ایوان غیر از صفة صدر است (ص ۱۶۴ و ص ۳۵).

بلر بعد از قرار دادن مقبره در پشت صفة صدر، در مکان یابی صفة کوچک دچار مشکل شده و به ناجار آن را تختگاهی چون تختگاه بقعة شیخ صفو در اردبیل در نظر گرفته است:

مقبره رشیدالدین درست در پس ایوان، یا مسجد جامع، بر محور قله قرار داشت. [...] شبکه جلو مقبره در برایر محراب ایوان جنوبی بود [...] سه قاری [...] در صفة کوچک، نزدیک شبکه می‌ایستادند. تصویر کردن اینکه این صفة کوچک چگونه بوده دشوار است؛ شاید تختگاهی، همچون تختگاه بقعة اشیخ صفو در اردبیل بوده باشد. در این صورت، شاید در آن سه منبر کوچک

با یکدیگر به ای حافظان قرآن می‌نهاشند. شاید هم این صفحه، مانند حرم {حضرت موصومه (ع)} در قم، فقط فیروزه‌گی ای در دیوار پسین ایوان بوده باشد. در هر صورت، در این روضه مقبره بر جای گنبدخانه در الگوی مسجد چهار ایوانی نشسته بود.^{۲۷}

طرح فرضی^{۲۸}: طرح فرضی لواسانی

یکی از نکاتی که در طرح لواسانی توجه را جلب می‌کند، نام‌گذاری فضاهای نه بر اساس آنچه در وقفاتمه آمده، بلکه بر اساس نامهای رایج در کاربرد امروزی است. مثلاً او خانه را داشکده الهیات، بیت‌العلیم را کوکستان، و دارالشفا را بیمارستان خوانده است. همچنین فضاهایی را در نظر گرفته که در وقفاتمه به آنها اشاره‌ای نشده است؛ مثلاً فضاهایی چون داشکده فنی و داشکده ادبیات. بعضی از فضاهای نیز در این طرح به کلی از قلم افتاده است؛ از جمله مقبره خود خواجه رشیدالدین (ص ۴۱) که از عناصر بسیار مهم مجموعه ربع رشیدی به شمار می‌رود.

گفتنی است که رویکرد اصلی لواسانی در این طرح نشان دادن تأسیسات و اجزای ربع رشیدی است نه باز آفرینی دقیق شهر. لذا شاید خرده گرفتن به تقسیم‌بندی فضاهای رایج و شهرستان رشیدی در این طرح و پرداختن به جزئیات جای گذاری فضاهای چندان صحیح نباشد. از این رو، طرح لواسانی را، که در نوع خود بسیار حائز اهمیت است، به شکل کلی بررسی می‌کنیم.

لواسانی فضاهای اصلی ربع رشیدی را که در خود وقفاتمه با نامهای روضه، مقبره، خانه، دارالشفا، و دارالضیافه (ص ۴۲) معرفی شده‌اند، این گونه تقسیم‌بندی نکرده است. همچنین این نکته را که تمامی این فضا در عین جدا بودن از هم، دارای وحدتی کلی است، در نظر نگرفته و تقسیم‌بندی فرضی مربوط به آنها از نظرش دور مانده است. همچنین در این طرح، شهرستان مجموعه‌ای بسیار کوچک، حتی کوچکتر از خود ربع، است که با ربع کاملاً مداخل و ترکیب شده است. نام

«درگاه اولین» — آن است.^{۴۵} توضیح این نکته لازم می‌نماید که مقصود از اولین درگاه بودن آن به لحاظ مکانی است نه تقدم

کرده ...» (قدمه و قفظ نامه)، «با بر این مقدمات تمسک به فضل حق، عز شانه، و توکل بر اعیان جسمیم او کرده ...» نقد ریزی های مال خود در اینجا اوابالر ربع رسیدی و سایر اوابالر که بر می باشد بیناید کرده خوب کرد و ملاکی که پیش از این اذانه است، اگر آن بر مصالح ربع رسیدی وقف کرده و باقات که بوده بر سایر خبرات همچون مسجد جامع رسیدی به محله شیش گله تبریز و دیگر بنای خیر که بر تربیت است و اوابالر همدان و بیز وقف کرده» (ص. ۳۷).

۹- طرح فرضی ربع رسیدی در مقاله نقش موقوفات در خودگردانی مراکز آموزشی درمانی (اواسطی)

بسیاری از محله‌های شهر و عناصر و مکان دقیقشان را هم در طرح نمی‌توان دید.

در این طرح مرکزیت مجموعه با دانشکده پژوهشکی (رواق‌المرتبین) است؛ حال آنکه مقبره و روضه، فضای اصلی ربع است. همچنین دیگر کاربری‌ها کاملاً بدون مرز و به صورت متناخل در نظر گرفته شده است که بر اساس من و قفتانمه، چنین طرحی بعد نماید. در پیش‌طرح‌ها و تصاویری که ارائه شده، مشکلاتی دیده می‌شود که نیازمند بررسی‌ای جدی تر است. از آن جمله این موارد را می‌توان ذکر کرد:

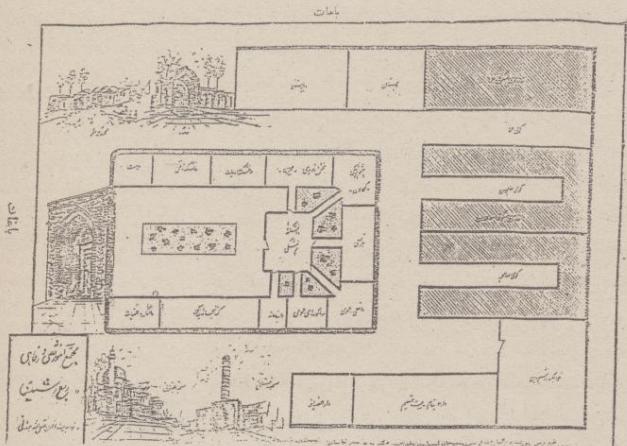
طرح «سردر» مجموعه صحیح نیست و تنها یک در روده در نظر گرفته شده است (ص ۱۸۴، ص ۱۸۶، ص ۱۸۹). سردر ترسیمی حتی به لحاظ شکلی هم هماهنگی چندانی با درهای این دوره ندارد. برای مساجد تابستانی و زمستانی، دو بنای کاملاً جدا و دارای مناره در نظر گرفته شده است، اما بر اساس وقفنامه، این دو مسجد یکپارچه و فاقد مناره بوده‌اند (ص ۴۲) و اذان را در مناره‌های «درگاه مناره» سر می‌داده‌اند (ص ۲۸۱).

از نکات مهم طرح لواسانی، قرارگیری شهر در میان باغ‌های پیرامونی بوده است که آنها را به صورت اجزای لاینک ربع رسیدی — همچنان که در وقفنامه نیز از آن یاد شده — نشان داده است (ت ۹۶).

حال پس از نقد و بررسی طرح‌های فرضی ربع رشیدی، بر اساس متون تاریخی، به ویژه وقفتانمه، به ارائه طرح فرضی این مجموعه در دو بخش «ربع» و «شهرستان» رشیدی می‌پردازیم.

بازآفرینی «ربع» رشیدی

باب الابواب: ^{۲۲} برای شروع بازی افرینی سازمان فضایی مجموعه «ربع»، شاید بهترین نقطه ورودی اصلی این مجموعه، یعنی «باب الابواب» باشد. چنان که از نام آن بر می‌آید، باب الابواب، «شادر» ربع رشمیدی و در واقع سردر گاه بیرونی – یا به تعبیری



روضه باز می‌شود، می‌توان آن را نوعی «وروودی غیر مستقیم» دیگر فضاهای (دارالشفا و خانقاہ و ...) دانست.

یکی از اصطلاحاتی که تا حدی ناآشناس است، «فرجاب»^{۵۴}

است. آن چنان که از تجزیه این واژه برآمی آید، معنای آن «مکانی مشرف به حضور آب است».^{۵۵} در طرح فرضی، «فرجاب» حوضی در صحن مفتح الابواب^{۵۶} در نظر گرفته شده است.

دارالضیافه: پیرامون مفتح الابواب (در جوانب اینم و ایسر)

قرار دارد. محل پذیرایی از مهمانان و ساکنان و کارگزاران شهر تبریز شمرد. نکته دیگر اینکه خود مسجد روضه مnarه ندارد و لذا از این دو مناره برای گفتن اذان استفاده می‌کردند.

آن چنان که از متن وقفنامه استنباط می‌شود، پیش از اضافه

شدن دارالضیافه‌ها و باروی جدید، این درگاه اولین درگاه بوده است. کوچه‌ای که به روضه ختم می‌شود، از درگاه مناره آغاز

می‌گردد.^{۵۷} در توضیح ویزگی معماری این کوچه باید گفت که

اختصاراً سرپوشیده بوده است؛ چرا که توزیع نان در تابستان‌ها در فضای مفتح الابواب و بخش ایمن و ایسر بوده است: بخش ایمن

مخصوص مجاوران و بخش ایسر مخصوص مسافران. «ایمن»

و «ایسر» دو واژه کلیدی است که در سراسر وقفنامه در توضیح

مکان فضاهای به کار رفته است. هر چند معیار جهت آن چنان

واضح نیست، چنین می‌نماید که معیار تشخیص جهت اینم و

ایسر (راست و چپ)، ورودی کل مجموعه یا درگاه اولین باشد.

دارالضیافه‌ها دهليزهای بیرونی و اندرونی دارند.^{۵۸} از آنجا که

در وقفنامه سخنی از صحن یا حیاطی مخصوص دارالضیافه

به میان نیامده، این فضاهای را در طرح فرضی سرپوشیده در نظر

گرفته‌ایم. با توجه به این عبارت وقفنامه: «جهت دارالضیافه از

ابواب البر اوپلش نبوده»^{۵۹} به نظر می‌رسد که دارالضیافه اینم و

ایسر در مرحله دوم ساخت و سازهای ربع رشیدی احداث شده

است. همچنین در وقفنامه آمده که طیخ غذا ابتدا در مطبخ

خانقاہ انجام می‌گرفت، ولی از آنجا که خانقاہ می‌بایست مکانی

پاکیزه می‌بود و طبخ و تبادل غذا باعث آلودگی آن می‌شد،

دارالضیافه‌ها و مطبخ آنها ساخته شد.^{۶۰} بدینسان می‌توان گفت

»[...] که این ربع رسیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیشتر

بنداد رفته بود و باروی آن کشیده

و آن را درگاهی ساخته که مغارها

متصل آن درگاه است و یکی دیگر

پس‌تر بارو کشیده و افقانه آن بارو

اویلن کرده و متصل آن گردانید و

دوروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه

به هم یکی کرده و آن مجموع را

ربع رشیدی نام نهاده‌ایم« (ص۳۴).

در تابستان در مخصوصی که آن را

مفتح الابواب می‌گویند و آن صحن

درگاه مناره و دارالضیافه است و در

زمستان در هلهیز روضه که بالای

آن هلهیز مسکن ناظر که مادر نایب

متولی است فرو گیرند» (ص۳۵).

«جهت مفتح الابواب و آن صحن

درگاه مناره و درگاه دارالضیافه است» (ص۳۶).

۳۴. شیلا بلر، همان، ص۳۰.

۳۵. همان، ص۴۹.

۳۶. جهت هلهیز روضه دو قندیل

[...]. «جهت روضه به دو جانب هر

یک پک مشعله [...]».

۳۷. «در معمای اتاق بزرگی است

که در وسط ساختمان قرار دارد و

اطراف آن را دیگر فضاهای گیویند.

به آن اتاق بزرگ نیز گویند» نک.

محمد کریم پیرنیا، سیکشناسی

معماری ایران، تدوین غلامحسین

معماریان، تهران، پژوهشگاه، ۱۳۸۲،

ص۳۵۸.

۳۸. «مسکن [...] که او همانند نایب

متولی است و آن بر سر درگاه روضه

است از جانب ایسی» (ص۳۳).

و آن دو سرای است. در آن یکی در

آن دیگر بوده و هر دو معروف‌اند

به دارالضیافه سا مراجعت چنانی و

فوکانی و زیرزمین که در آنجاست و

که دارالضیافه‌ها ضمیمه خانقاہ بوده‌اند. با قرارگیری دارالضیافه مجاوران در کنار خانقاہ، جای گیری آن و تشخیص جهت اینم و ایسر منطقی می‌نماید.

درگاه مناره: «ایمی» دیگر از مفتح الابواب است. درگاهی است دواشکوبه که در بالای آن غرفه‌های برای مهمانان خاص بریاست.^{۶۱} این درگاه دارای دو مناره بلند است^{۶۲} که با توجه به موقعیت قرارگیری شان در مجموعه «ربع» می‌توان آنها را همچون نمادهای شهری، نه فقط برای ربع رشیدی، بلکه برای شهر تبریز شمرد. نکته دیگر اینکه خود مسجد روضه مnarه ندارد و لذا از این دو مناره برای گفتن اذان استفاده می‌کردند.

آن چنان که از متن وقفنامه استنباط می‌شود، پیش از اضافه شدن دارالضیافه‌ها و باروی جدید، این درگاه اولین درگاه بوده است. کوچه‌ای که به روضه ختم می‌شود، از درگاه مناره آغاز می‌گردد.^{۶۳} در توضیح ویزگی معماری این کوچه باید گفت که احتمالاً سرپوشیده بوده است؛ چرا که توزیع نان در تابستان‌ها در فضای مفتح الابواب و بخش ایمن و ایسر بوده است: بخش ایمن مخصوص مجاوران و بخش ایسر مخصوص مسافران.

دارالضیافه دارای دو بخش ایمن و ایسر بوده است: بخش ایمن

و «ایسر» دو واژه کلیدی است که در سراسر وقفنامه در توضیح

مکان فضاهای به کار رفته است. هر چند معیار جهت آن چنان

خانقاہ: با عبور از درگاه مناره، به کوچه روضه خواهیم رسید.

نقسمیات فضایی مجموعه (خانقاہ، دارالشفا، روضه) از این کوچه

است. پیش از توضیح فضای خانقاہ، با توجه به قرار گرفتن

«سایاطا»^{۶۴} در کوچه روضه و مابین ورودی خانقاہ و دارالشفا،

تبیین مفهوم آن ضروری می‌نماید. سایاط در معماری سنتی به

کوچه‌ای سرپوشیده می‌گویند؛ اما در ربع، سایاط کوچه‌ای در

نظر گرفته شده که خانقاہ و دارالشفا را به هم مرتبط می‌سازد و

بالای آن – از آنجا که دواشکوبه است – تعدادی حجره هست

که برخی از حفاظ در آنجا مسکن داشتند. با توجه به توضیحاتی

که در وقفنامه می‌خوانیم، به نظر می‌رسد خانقاہ نیز فضایی

چهارابویانی و دواشکوبه باشد. یکی از ایوان‌ها از بقیه بزرگ‌تر

بوده^{۶۵} و مراسمی چون سماع در آن صورت می‌گرفته است.

خزانه تقد و اجتناس در آنجا باشد» (ص ۷۸). در تایستان در موضوعی که آن را متفاوت از اسوان می‌گویند و آن صحن درگاه مناره و دارالضیافه است و در زمستان در دهلیز روضه که الای آن دهلیز مسکن ناطر که مانند نایاب متولی است فرو گیرند [...]» (ص ۱۶۰).

۳۹ بلو، همان، من ۵۶.

۴۰ «مسکن متولی [...] و آن سرای و حجرهای است متصل به هم و دارالکتب و مخزن هر دو انجاست» (ص ۴۳).

۴۱ «آنک در تمام شبههای سال هر شب از اول نماز شام تا بامداد یک عدد شمع [...] در موضعی که شکله قلیلی که بر آن نهاده و خارج آن قه بر شبکه مذکور صفة کوچک ساخته ایم تا حفاظت که قران به نوبت می خوانند در آنجا می شنیدند پنهان» (ص ۱۶۴) «بر در آن شبکه مذکور که آن بر پسر محراب مسجد جامع است» (ص ۱۲۵).

۴۲ بلو، همان، من ۵۷.

۴۳ «دیگر مسجد شوی و آن گنبدی است که متصل صفة صدر است» (ص ۴۲). [...] او برای دو مؤذن که در اوقات صلوت مفروضات بر مانها که بر درگاه ربع رشیدی ساخته باشکه نماز گویند» (ص ۱۲۸).

۴۴ هو باید ایوان آن است که پیش از این در باغ رشیدآباد آنچا بود و در آنجا به جانب بالا بر ممر ربع رشیدی می باشد» (ص ۱۸۹).

۴۵ بیوای درگاه بیرونی یعنی درگاه ایوان ربع رشیدی» (ص ۱۸۴).

۴۶ «این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیش تر بنای رفته بود و باروی آن کشیده و آن را

در وقفنامه آمده، در مجاورت زمینی دراز است که باعچه نام دارد.^{۷۳} در وقفنامه از مکان دقیق طبیعی یاد نشده است. جای گیری آن در این طرح بر اساس شرایط اقلیمی و جغرافیایی و بهترین مکان ممکن صورت گرفته است.

روزنامه‌الحیات حجرهای کوچک در طبقه بالای خانقه است. این فضا شاهنشاهی تاب خانه است.^{۷۴} ممر خانقه، خانقه را به درگاه مناره و درگاه روضه مرتبط می‌سازد که ظاهراً همان کوچه روضه است. شماری «سقاوه» نیز در این ممر بوده است.^{۷۵}

دارالشفا: جایی برای پذیرش و رسیدگی به بیماران، آموزش طب به متعلمین، و تهیه دارو بوده و از فضاهای اصلی و مهم ربع رشیدی به شمار می‌رفته است. مطابق وقفنامه فضاهای دارالشفا بدین قرار بوده است: دارالشفا، شرابخانه، مخزن ادویه.^{۷۶} ظاهراً دارالشفا خود بخشی از همین مجموعه است.

دارالشفا فضایی دو یا چهارایوانی و دواشکوبه است.^{۷۷} از آنجا که بنایهای این دوره عموماً چهارایوانی بوده است،^{۷۸} این فضا را چهارایوانی در نظر گرفته ایم.

از متن وقفنامه چنین برمی‌آید که پیرامون دارالشفا رواق‌هایی وجود داشته است.^{۷۹} در مقابل یکی از ایوان‌های دارالشفا شبکه‌ای بوده که بیماران از پشت آن داروهایشان را می‌گرفته‌اند.^{۸۰} گویا این شبکه همانند شبکه‌ای بوده که در دارالحفاظ وجود داشته است. دارالشفا رواقی داشته که از سمت جنوب نزدیک شبکه بوده است. این رواق را «رواق المرتبین» می‌خوانده‌اند و آموزش طب به متعلمین در آن انجام می‌گرفته بوده و مسکن طبیب هم بدان متصل بوده است. مطبخ و گلابخانه و مسکن برخی از کارکنان در این رواق قرار داشته است.^{۸۱} داروخانه تا درگاه اولین روضه دارای «مرمری» بود^{۸۲} که در طرح حاضر همان کوچه روضه در نظر گرفته شده است.

از آنجا که در بخشی دیگر از وقفنامه آمده است که دهلیز خانه متوالی و رواق المرتبین برای روشنایی دارای یک قنديل است،^{۸۳} به نظر می‌رسد ارتباطی نزدیک میان این رواق و خانه مطبخ خانقه نزدیک ایوان بزرگ و راه آن در زمستان‌ها – زمانی که «سرما سخت گردد» – از پشت ورودی خانقه بوده که به حجره مطبخ نیز ختم می‌شده است.^{۸۴} البته بعد از احداث مطبخ‌های دارالضیافه، از این مطبخ به جای انباری استفاده می‌گردند؛ مگر اینکه دو مطبخ دیگر نیازشان را برمی‌آورد. همچنین می‌توان استنباط کرد که پشت ایوان بزرگ، زمینی دراز وجود داشته که روشنایی ایوان از آن تأمین می‌شده است.^{۸۵} توجه به اینکه ایوان معمولاً فضای نیمه‌از و مشرف به صحن است، اغلب روشنایی آن از طریق صحن (فضای باز مقابله) تأمین می‌شود؛ در حالی که با توجه به عبارت: «قری زمین دراز که اسم باعچه دارد در پس آن تاب خانه روشنایی آن از آن است و روشنایی صفة سراچه همچنین»، می‌بینیم که روشنایی صفة از همان زمین‌های دراز یا باعچه‌ای است که در پشت آن قرار دارد. لذا چنین تصور می‌شود که صحن خانقه باز نیست، بلکه مسقف است. البته شایان توجه است که چنین فضای را – که می‌تردید بزرگ بوده است – نمی‌توانسته‌اند با سطح صاف و مسطح مسقف کنند. بنا بر این، می‌بایست پوشش آن گنبدی-شکل می‌بود. در وقفنامه سخن از گنبد خانقه به میان نیامده است.^{۸۶} با توجه به این شواهد، صحن خانقه را در طرح فرضی رو باز در نظر گرفته‌ایم و سایر جاگذاری‌ها و مکان‌یابی فضاهای مختلف مانند تاب خانه، ایوان بزرگ، مطبخ، و سراچه شیخ بر اساس متن وقفنامه انجام پذیرفته است. سراچه شیخ در دهلیز مقابل مطبخ و در آشکوب زیرین واقع است.^{۸۷} از متن وقفنامه برمی‌آید که این سراچه را نقاشی کرده بودند.^{۸۸}

تاب خانه و مطبخ خانقه متصل به ایوان بزرگ بوده است. در خانقه «ربع» سه فضا دارای شاهنشاهی است: طبیب، تاب خانه، و ایوان بزرگ.^{۸۹} اما طبیب و ایوان بزرگ دو فضای مربوط به خانقه بوده‌اند؛ چرا که خانقه نیز مانند دیگر بنایهای سنتی ایران دو بخش تابستانی و زمستانی داشت. طبیب اتاق تابستانی و تاب خانه اتاق زمستانی آن بود. جای گیری تاب خانه، چنان که

درگاهی ساخته که مبارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پس تر با رو کشیده و اشافة آن بازو اولین کرده و متصل آن گردانده و نزدیک بیرون آن ساخته و همه به هم یکی کرده و آن مجموع را ربع رسیدی نام نهاده‌ایم» (ص. ۴۱).

۴۷ «از مردمان معمیز باشند» یعنی باخادم و بارزید به هم پاشند. پس ایشان را در غرفه‌ها فرو آرند که در غلام‌گردن اشکوب بالایین مفتح‌الابواب است و بر سردرگاه بیرونی ربع رسیدی به جانب شرقی و شمالی، غیر این بر بالای دارالضیافه و حوابی خانه و مطبخ است» (ص. ۱۲۲).

۴۸ «در تابستان در موضعی که آن را مفتح‌الابواب می‌گویند و آن صحن درگاهه مساهه و دارالضیافه است و در زمستان در هیلیز روضه که بالای آن دهانی مسکن ناطر که مانند نایب متول است فرو گیرند» (ص. ۱۶۰).

۴۹ «سرچها که بر سردرگاه بیرونی ربع رسیدی است و چهارصفه که بر غلام‌گردن است متصل فرجاب که روی با مفتح‌الابواب دارد» (ص. ۱۶۰).

۵۰ «جهت مفتح‌الابواب و آن صحن درگاه مساهه و درگاه دارالضیافه است» (ص. ۱۶۰).
۵۱ «مفتح‌الابواب [...] و ممر بیرونی و اندرونی و دارالضیافه این و ایسر و ممر مواضع در آنجاست» (ص. ۱۹۵).
۵۲ «سقا خاقانه و مجاوران حجرها و مطبخ آن و مجاوران سایط خاقانه و ممر آن تا درگاه روضه و درگاه مساهه و سقا به که در آن مر است» (ص. ۱۸۹). «سقا دارالضیافه و مطبخ آن و مجاوران و مسافران آن و مفتح‌الابواب تا درگاه اولین ربع

متولی وجود داشته است. از طرفی هم برای ممر کوچه مشرف و رواق‌المرتبین یک چراغ در نظر گرفته بوده‌اند.^{۴۳} بنا بر این، می‌توان نتیجه گرفت که رواق‌المرتبین بین دو کوچه متولی و مشرف قرار داشته است.

مسکن طیب جنب دارالشفا و در جانب ایمن است.

همچین این فضا به رواق‌المرتبین متصل است. اگر جهت ایمن

بر اساس وروی مشخص شود، پس مسکن طیب در کنار رواق‌المرتبین و در جانب راست بوده است. مسکن متعامن علم

طب در حجره‌های پایین و در «پشت حوالی داروخانه» است.^{۴۴}

چنین می‌نماید که این حجره‌ها را رو به بیرونی به سمت کوچه

روضه‌ساخته بوده‌اند، نه رو به حیاط دارالشفا؛ چون این حجره‌ها

در پشت داروخانه قرار دارند و از طرفی در وقفتانه از دهیز

داروخانه یاد شده است.^{۴۵} داروخانه به سمت کوچه روضه و دهیز

مذکور ارتباط‌دهنده فضای بیرونی و درونی دارالشفا بوده است.

بدین‌سان، حجره‌های متعامن نیز رو به کوچه روضه داشته‌اند.

سرای مشرف: توضیح کاملی درباره چگونگی فضای سرای

مشرف در وقفتانه نیامده است. تنها چهار فضای مجاور سرای

مشرف ذکر شده است که عبارت‌اند از: دارالشفا، کوچه سرای

متولی، بارو، کوچه‌ای که به روضه می‌رود.^{۴۶} یکی از نکات

کلیدی‌ای که ما را در جانمایی سرای مشرف یاری می‌دهد و

در وقفتانه هم آمده، این است که این سرا خود درگاه کوچه

است؛^{۴۷} از این رو نمی‌توان آن را در کوچه متولی جاگذاری کرد.

اگر سرای متولی را پشت دارالشفا در نظر بگیریم، کوچه‌ای

که به سمت روضه می‌رود، همان کوچه مشرف در نظر گرفته

می‌شود (کوچه متولی و کوچه مشرف مجزا هستند).

سرای متولی: این خانه سرا و حجره‌ای متصل به هم

است که وروی یکی در دیگری است.^{۴۸} سرای متولی احتماً

دو طبقه و دارای زیرزمین بوده است.^{۴۹} در این سرا «دارالكتب» و

«مخزن» هم وجود داشته است.^{۵۰} بر اساس وقفتانه، جانمایی

سرای متولی را در «ربع» می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

از آنجا که سرای متولی متصل به روضه است و این خانه و رواق‌المرتبین دارای ارتباطی نزدیک‌اند،^{۵۱} باید بین این دو فضاء، یعنی روضه و رواق‌المرتبین، استقرار یابد. بین این سرا و دارالشفا کوچه‌ای مدنظر است (کوچه متولی).^{۵۲} محتمل است که دارالشفا و این کوچه با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. یکی از واژگان وقفتانه در خصوص این فضاء، «درسر» است.^{۵۳} با توجه به قرایین، به نظر می‌رسد مکانی مانند درگاه باشد که البته فضایی معین است؛ چنان‌که وروی خانه متولی و چاه خانه در آن جا قرار دارد. «درسر» در طرح فرضی، به عنوان یک فضا و در این‌تای کوچه (متولی) در نظر گرفته شده است.

سرای ناظر و سردرگاه‌های روضه: روضه دارای دو «سردرگاه» ایمن و ایسر بود.^{۵۴} توضیحات وقفتانه درباره این دو درگاه به دو صورت متفاوت بیان شده است. در بخش‌هایی درگاه ایمن به عنوان «درگاه اولین» روضه معروف شده که نزدیک سرای متولی است. از طرفی دیگر، از این درگاه که محل پخش نان در زمستان نیز بوده، با عنوان «درگاه ایسر» یاد شده است. از آنجا که محل سرای ناظر بر بالای درگاه ایسر و دهیز روضه بیان شده است، در طرح حاضر درگاه روضه را از سمت کوچه روضه دارگاه ایسر» در نظر گرفته‌ایم که در این صورت سرای متولی، مشترف، و ناظر در یک محدوده قرار می‌گیرند. گفتنی است که با توجه به توضیحات وقفتانه، استقرار «درگاه ایمن» در انتهای کوچه روضه نیز می‌تواند گزینه‌ای دیگر برای طرح روضه باشد.

روضه: به جرأت می‌توان گفت «روضه» مهم‌ترین بخش «ربع» است؛ فضایی جهارایوانی و دارای فضاهای مسجد صیفی و شتوی و دارالتعلیم ایتمام و دارالمصاحف و کتب‌الحدیث و قبة (مقبره)^{۵۵} و تعدادی حجره.

مسجد صیفی: این مسجد که یک ایوان دارد، در واقع بزرگ‌ترین ایوان روضه است.^{۵۶} این مسئله خود نشان‌دهنده چهارایوانی بودن روضه است؛ چرا که دو ایوان مربوط به درگاه

چهار ایوانی است که ارتفاع ایوان‌هایش یکسان نیست. ایوان مسجد تاسستانی بزرگ‌ترین ایوان و ایوان قبه کوچک‌تر از آن است. به ارتفاع دو ایوان دیگر اشاره‌ای نشده است.

قبه قبلي (ص ۱۶۴) قبلي در لغت منسوب به قبلي است (جنوي) و به سبب اعتقادات ديني خواجه رشيدالدين، قبه که محل دفن او است، قبلي است (رو به سوی قبليه دارد). پس مسجد جامع که همان صفة صدر است، رو به روی دارالحفاظ واقع است.^{۱۳} به این ترتيب، محور شمالی - جنوبي همان خطی است که دارالحفاظ را به صفة صدر (مسجد جامع) متصل می‌سازد. صفة صدر در جنوب و دارالحفاظ (مقبره) در شمال واقع شده‌اند.

دارالصالح و کتب‌الحدیث: در این مکان «صحف مجید» (قرآن) و جامع‌الاصول فی احادیث‌الرسول را کتابت می‌کردند. این فضا در کنار مسجد شتوی قرار گرفته است.^{۱۴} دارالصالح علاوه بر اینکه دری به صحن روضه داشته، با توجه به شواهد احتمالاً دری هم در کوچه‌ای داشته که در وقفا نامه از آن با نام «کوچه دارالصالح» یاد شده است.^{۱۵} این کوچه را در طرح فرضی در پشت روضه در نظر گرفته‌ایم.

بیت‌التعلیم ایتام: مکانی بود که معلمی به دیتیم آموزش قرآن می‌داد. مسکن این معلم نیز در همین مکان بود.^{۱۶} این فضا متصصل دارالصایقه احداث کردیم» (همانجا).

۵۵ «از مردمان متیز باشدند بعضی باشام و با مردمی به هم باشندند پس ایشان را در غرفه‌ها فروآزند که در آلام‌گردش آشکوب بالایین مفتح‌الابواب است و بر سرده‌گاه بیرونی بیرونی بیرونی به رشیدی به جانب شرقی و شمالی غیر آنچه بر بالای دارالصایقه و خواجه‌خانه و مطبخ است» (ص ۱۲).

۵۶ در توضیح برخی از اثارها آمده است: «بعضی عمارت‌ها که در دور بیرونی گفته‌یم پس از ساخته شده» (ص ۴۳).

۵۷ [...] دهیز بیرونی دارالصایقه

ایمن و ایسر و دو ایوان دیگر مربوط به مسجد و قبه (مقبره) خواهند بود.

این مسجد، مسجد جامع شهرستان رشیدی و روستاهای اطراف آن است.^{۱۷} به این ایوان «صفة صدر» می‌گویند که دارای نیبر و محراب است (ص ۱۲۸). در تاسستان مراسم مذهبی و نماز را در این ایوان (صفة صدر) برگزار و در صورت کمبود جا از صحن روضه و دیگر ایوان‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

مسجد شتوی: مسجد شتوی گنبدی داشته که این گنبدخانه مسجد زمستانی روضه بوده است.^{۱۸} در زمستان نماز را در این مکان برگزار می‌کرده‌اند. دکتر سعیدنیا در طرح خود گنبد را در جانب چپ صفة صدر در نظر گرفته است:^{۱۹} جون در عبارت «در پسار داخل مسجد صیفی»، «پسار» را کسره خوانده است.

در عمارتی، اسلامی و نمونه‌هایی با طراحی قبلي، گنبد در کنار ایوان قرار نگرفته (جز در مسجد جامع نطنز و مسجد گز اصفهان) که ساخت بنایها در چند دوره صورت گرفته است و به علت پیش آمدن برخی محدودیت‌ها در ساخت و سازهای بعدی، شاهد از بین رفتن برخی از اصول عمارتی ایرانی هستیم)، بلکه عموماً در پشت آن واقع است؛ مگر در مسجد گوهرشاد و تربت شیخ جام که گنبد روی ایوان قرار گرفته است. در حالی که اگر جمله ذکر شده را چنین بخوانیم «در پسار، داخل مسجد صیفی»، مسجد می‌تواند دون صفحه‌ای باشد که در پسار است. پس صفة صدر در پسار روضه و گنبد روی صفة واقع می‌شود (همانند مسجد گوهرشاد). البته همچنان چهت «پسار» بر اساس ورودی «اولین درگاه روضه» مشخص می‌شود.

دارالحفاظ: موضعی در مقابل شکنه قبه (مقبره) است.^{۲۰} پس دارالحفاظ همان فضای زیر گنبد و رو به روی حمام است. ایوان کوچکی جلو گنبد بوده و مابین صفة و گنبد «شبکه‌ای چوبی» قرار داشته است.^{۲۱} سردايه که مدفن واقع است، زیر گنبد (با مین فضای دارالحفاظ) قرار دارد.^{۲۲} در وقفا نامه از ایوان مقبره با عنوان «صفة کوچک» یاد شده است (ص ۴۱). بنا بر این، روضه فضایی

گرمابه‌ها در زیر زمین بسیار بهتر و راحت‌تر از روی زمین است. دیگر اینکه اقلیم تبریز سرد و کوهستانی است و از این رو گرم کردن فضای استحمام در زمستان‌های سرد منطقه در زیر زمین بسیار راحت‌تر و منطقی‌تر است.

سراسitan: بوستان سرا (باغ) است که در داخل روضه و پشت گنبد مسجد زمستانی است^{۱۰۹} «ت ۱۰ و ۱۲»

بازآفرینی «شهرستان» روشنی

به منظور درک بهتر طرح «شهرستان» روشنی، بخش‌های مختلف آن را در هفت قسمت بررسی و سعی خواهیم کرد بر اساس متن وقفتامه موقعیت هر یک از این بخش‌ها را، تا حد ممکن، مشخص کنیم.

۱. جهت شهرستان و نحوه استقرار شهر در

بر اساس توضیحات وقفتامه^{۱۱۰} استقرار گنبد در جهت محور قبله مشهود است. با توجه به شطرنجی بودن بافت شهر و، مهم‌تر از آن، عمود بودن دو محور اصلی «ممرا» و بازار که شکل دهنده بافت شهرستان روشنی‌اند، «ممرا» که به «ربع» می‌رسد در جهت محور قبله است. جهت‌گیری شهر روشنی نسبت به تبریز شرقی - غربی با اعمال زاویه انحراف قبله است. گفتنی است که با این جهت‌گیری در طرح حاضر، همه ملاحظات اقلیمی شهر بررسی شده است که نتایج آن متناسب می‌نماید.

۲. دروازه‌ها

بر اساس متن وقفتامه، «شهرستان» روشنی چهار دروازه داشته است بدین قرار: روم،^{۱۱۱} تبریز،^{۱۱۲} موغان،^{۱۱۳} عراق،^{۱۱۴} با استفاده از نقشه موقعیت تبریز در دوره ایلخانی، تا حد زیادی می‌توان محل استقرار هر یک از این دروازه‌ها را مشخص کرد. این دروازه‌ها در چهار جهت اصلی شمال، جنوب، شرق، و غرب واقع بوده‌اند. بر اساس این نقشه و با مطالعه دقیق متن وقفتامه،

در زیر فضای دارالکتب و بهترین مکان برای حمام نیز زیرزمین باشد.

در جای‌گیری حمام‌ها در زیرزمین ربع روشنی دو مسئله را

- علاوه بر توضیحات وقفتامه - می‌توان در نظر گرفت که

با توجه به منابع دیگر و ساخت و سازهای هم‌دوره، منطقی و

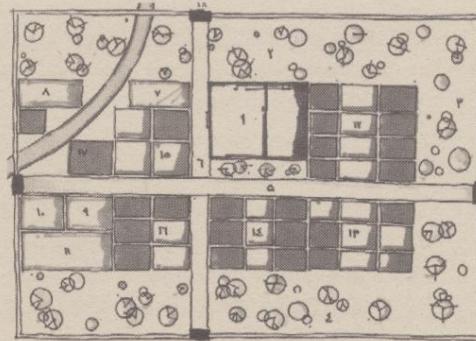
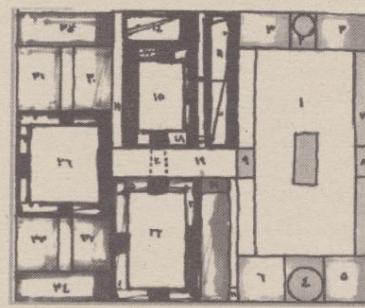
صحیح می‌نماید. اول اینکه سوار شدن آب بر نظام آبرسانی

ت. ۱۰. (بالا) طرح «ربع» روشنی.

ترسم نگارنده

ت. ۱۱. (باین) طرح «شهرستان» روشنی.

ترسم نگارنده



۱. همسن روشنی
۲. روم و روزانه
۳. قاره (کتابخانه در بیرون زمین)
۴. مطبخ
۵. آلاقاشیخ
۶. مسجد صلیم و مسجد شوشی
۷. دیده شاهزاد
۸. دیده شاهزاد و کتابخانه
۹. لاجوردی
۱۰. سردر گل‌پوش
۱۱. سردر گل‌پوش و مسکن ناظر
۱۲. مسکن ناظر
۱۳. مسکن و دستگرد
۱۴. مسکن و دستگرد
۱۵. مسکن و دستگرد
۱۶. مسکن و دستگرد
۱۷. مسکن و دستگرد
۱۸. مسکن و دستگرد
۱۹. مسکن و دستگرد
۲۰. مسکن و دستگرد
۲۱. مسکن و دستگرد

۱. ربع روشنی
۲. باغ روشنی‌باد
۳. باغ اصلان
۴. باغ فتح باد
۵. شیراز
۶. گلزارگ
۷. حمام بالا
۸. حمام نیزه
۹. کاروانسرا
۱۰. مسجد جامع شهرستان
۱۱. گلزارگ
۱۲. مسکن شیخ اباد
۱۳. مسکن رور شیخ اباد
۱۴. مسلم صلحیه
۱۵. روضه بالا
۱۶. روضه باغین
۱۷. مسکن اباد
۱۸. دروازه روم
۱۹. دروازه موغان
۲۰. دروازه تبریز
۲۱. دروازه عراق

مسافران [...]» (ص ۱۸۵). «جهت دارالضيافه های آن [...] هشت قندیل» (ص ۱۶۷).

۵۸ [...] و اکنون سفره چهت اهل خانقهاد را می بینم از آن دارالضيافه

می اندازند. بدآن سبب این دارالضيافه تختائی و فوکائی جدایگانه بیرون خانقهاد ساخته اند. چهت دارالضيافه از ابوابالبر اولیش نبوده» (ص ۱۲۸).

۵۹ «کن خانقهاد چون موضعی نزه و پاکیزه است و به سب سفره اندختن

جهت مجاوران و مسافران در آنجا خانقهاد چرکین می شد و حل خود

به زبان می آمد و از طهارات بیرون

من رفت، به سب پای افزارهای نفس در آنجا بردند. بدآن سبب این

دارالضيافه با مطبخ و حوابی و مراقبت

تحتائی و فوکائی جدایگانه بیرون

ت ۱۲۰. «ربع» رشیدی. ترسیم

نگارنده

این باغ در شمال «شهرستان» و نسبت به کل آن در ارتفاعی بالاتر قرار داشته است.^{۱۷} همچنین از متن وقفنامه برمی آید که باغ فتح آباد در کنار دروازه عراق قرار داشته است.^{۱۸} از آنجا که دروازه عراق در جنوب شهرستان واقع است، باغ فتح آباد را نیز در جنوب جاگذاری کردیم.

۵. موقعیت «ربع» در شهرستان

با توجه به توضیح «دهلیز بزرگ» در وقفنامه، به این نتیجه می رسیم که «سردر» بیرونی «ربع» رشیدی در مر بزرگ قرار گرفته و به آن متصل است. از طرفی، در وقفنامه ذکر شده که برای رسیدن به سردر «ربع» رشیدی «از بازار می گذرند و بس آنجا به بالا می روند تا به دروازه ربع رشیدی می رسد».^{۱۹} بدینسان، «ربع» در بخش شمالی شهرستان و بالاتر از بازار قرار می گیرد.

در واقع، به نظر می رسد «ربع» رشیدی به سب اهمیت

خاصش، در کنار تقاطع دو محور اصلی شهرستان، یعنی مر

بزرگ و بازار، جای گرفته است. پرسش این است که سردر

«ربع» در سمت چپ مر بزرگ قرار داشته است یا سمت راست

نتیجه می گیریم که دروازه روم در شمال، دروازه تبریز در غرب، دروازه موغان در شرق، و دروازه عراق در جنوب «شهرستان» مستقر بوده اند. دروازه تبریز و موغان، محوری شرقی - غربی و دروازه عراق و روم، محوری شمالی - جنوبی در «شهرستان» ایجاد می کردند.

۳. مر بزرگ و بازار

چنان که گفته شد، شهرستان دارای دو محور شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بوده است. در وقفنامه ضمن توصیف محله صالحیه از «مر بزرگ» به عنوان مرمری که بر آن به بالا می روند و بازار به عنوان راهی که به «دوازه سرخاب» می رود، یاد شده است. همچنین با توجه به توصیفات «دلیز» (مر بزرگ)^{۲۰} در وقفنامه، به نظر می رسد مر بزرگ همان محور شمالی - جنوبی و بازار محور شرقی - غربی شهرستان باشد. با توجه به این نکته که کوههای سرخاب در شمال قرار دارند و شیب شهرستان تقریباً شمالی - جنوبی است (بخش شمالی مرتفعتر از بخش جنوبی است؛ لذا منظور از عبارت «مرمری که در آن به بالا می روند»، راهی است که به جایی مرتفعتر ختم می شود. بدینسان، می توان به شمالی - جنوبی بودن مر بزرگ اطمینان یافت.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه «دوازه سرخاب» در مسیر بازار قرار دارد و این دروازه از دروازه های شهر تبریز است. می توان گفت که بازار محور شرقی - غربی «شهرستان» را تشکیل می دهد؛ چنان که در یک سر آن دروازه تبریز و در سر دیگر دوازه موغان قرار دارد.

۴. باغ رشیدآباد و فتح آباد

با توجه به اینکه در مباحث مربوط به مجاری آب در وقفنامه (فصل شانزدهم) آمده است که شماری از «مقسم» های آب «شهرستان» در باغ رشیدآباد مستقر بود، به نظر می رسد که



خانقه ساخته آمد» (ص ۱۳۸).
۶۴ [...] موضعی که میان دو
مناره بر سردر ربع رشیدی است»
(ص ۱۹۶).

۶۵ [...] از سرای دور موزن که در
اوقات حملات مغروضات بر منارها
که درگاه ربع رشیدی ساخته باند
نمای گویند» (ص ۱۲۸).

۶۶ «سقای خانقه و مجاوران
حجرهای و مطبخ آن و مجاوران
سایبان خانقه و ممر آن تا درگاه روضه
و درگاه مناره و سقایه که در آن مر
اسه» (ص ۱۸۹).

۶۷ «حجرهای که نزدیک در خانقه
است چه مسکن حفاظ، معروف به
حجرهای سایبان» (ص ۳۴).

۶۸ «و باشد که حجره و مرفاق آن
عظیم پاک دارند و سردم نامعتمد و
قائمه را پیش خود نگذارند و با ایشان
صیحت تورنزد و چون زستان باشد
و سرما سخت گردد، صفة بزرگ که
در مطبخ بود با حجره به هم از آنجا
باز برپیده شده و راه آن در پس در
خانقه کرده و ممر آن هم بدان حجره

مطبخ است، به اتفاق آنجا روند و هر
یک چهت خود تویری کوچک سازند
تا آنجا گرم شوند و آتش کنند»
(ص ۱۷۴).

۶۹ «جون زستان باشد و سرما
سخت گردد، صفة بزرگ که در مطبخ
بود به حجره به هم از آنجا باز برپیده
شده و راه آن در پس در خانقه کرده
و ممر آن هم بدان حجره مطبخ است،
به اتفاق آنجا روند» (ص ۱۷۴).

۷۰ «در سرایهای که برابر مطبخ

خانقه است، تاب خانهای هست که

دیوار آن با دهیز خانقه دارد در آن
در این تاب خانه کنند و دری که با

صفه دارد آن را با آجر بگیرند [...]»

زیرین در ارتقای بالاتر قرار گرفته است. با توجه به جمله ذکر شده در صفحه ۲۱۳ وقفنامه، «روضه» در شرق ریض مستقر بوده است. به این ترتیب، می‌توان محل استقرار ریض را کنار «ممر بزرگ و ربع» در غرب شهرستان دانست.^{۱۲۲}

محله لطیف‌آباد: این محله از محلات جانب «ایمن» شهرستان است. به گونه‌ای که از متن وقفنامه بر می‌آید،^{۱۲۳} در شهرستان جانب این منطقه بر شرق و جانب ایسرا منطبق بر غرب بوده است. در زیر این محله بین محلات دیگر و همچنان قیصریه وجود داشته است. با توجه به این که فاصله این محلات به حوضی در دروازه موغان می‌رسد، به نظر می‌رسد این محلات در مکانی نزدیک دروازه موغان باشند (بر همین اساس جهت ایمن و ایسر در شهرستان مشخص شده است).

مجموعه محلات عزآباد: این محلات و زمین‌هایی به نام زمین‌های پهلوان سعید، زیر پشت‌های سرخاب قرار داشته‌اند.^{۱۲۴} احتمالاً زمین‌های پهلوان سعید وسعت زیادی داشته‌اند، تا جایی که شاید بخشی از آنها به بیرون از شهرستان رشیدی هم می‌رسیده است. بخشی از این محله در زیر پشت‌های سرخاب و محلات عزآباد در این زمین‌ها واقع بوده است. این محلات در نزدیکی دروازه روم قرار داشته‌اند.

۷. سایر فضاهای

الف. مسجدجامع شهرستان: با توجه به متن وقفنامه، این مسجد در نزدیکی دروازه تبریز قرار داشته است.^{۱۲۵}
ب. مصلای شهرستان: بر اساس توضیحات صفحه ۲۰۶ وقفنامه، به نظر می‌رسد «مصلای» نزدیک باغ رشیدآباد و زمین‌های پهلوان سعید بوده است.^{۱۲۶} در طرح حاضر، این فضا را بین باغ و محله عزآباد قرار داده‌ایم.
ج. دارالمسکین: با توجه به توضیحات صفحه ۱۳۹ وقفنامه، در بازار شهرستان رشیدی واقع بوده و در آنجا غذای مسکینان را آماده می‌کرده‌اند؛^{۱۲۷} اما مکان دقیق آن مشخص نیست.

آن؟ مکتوب ۵۳ از مکاتیب رشیدی معیار تعیین کننده موقعیت «ربع» است. در این مکتوب، باغ رشیدآباد^{۱۲۸} متصل به دارالشفا

ذکر شده است. از آنجا که باغ رشیدآباد در شمال «شهرستان» واقع است، «ربع» باید به گونه‌ای در شهرستان جای گیرد که دارالشفا در شمال استقرار یابد. به این ترتیب، «سردرگاه» بیرونی ربع رشیدی در سمت راست «ممر بزرگ» قرار خواهد گرفت.

۸. محلات

در متن وقفنامه از بخی محلات خاص یاد شده و توجه فبرخی از آنها آمده است. احتمالاً محلات شهرستان رشیدی محصور به این چند محله نبوده، اما از آنجا که فقط موقعیت بخی از آنها توصیف شده است، ما بین در این طرح فرضی، به موقعیت‌یابی همین محلات اتفاق می‌کنیم.

محله صالحیه: مطابق متن وقفنامه، محله‌ای است که جماعت «هل صلاح»، که مجاوران و ملازمان ربع رشیدی اند، در آن مسکن دارند. با توجه به توصیفات این محله در وقفنامه و نیز مطالب ذکر شده در بخش مجاری آب‌ها و نحوه آبرسانی محله، در می‌باییم که احتمالاً محله صالحیه بایین‌تر از بازار و «ربع» رشیدی و در کنار ممر بزرگ قرار گرفته است.^{۱۲۹}

ریض: این واژه در شهرهای کهن دارای جایگاه و مفهومی خاص است. در واقع «ریض» به بخش‌هایی از محدوده شهر می‌گفتند که مردم عادی در آن مسکن داشته‌اند. در شهرستان رشیدی هر چند ما با چنین نامی رو به رو می‌شویم، با مطالعه دقیق وقفنامه در می‌باییم که «ریض» مفهوم بیشین خود را از دست داده است و شاید خود یکی از محلات شهرستان باشد؛ محله‌ای که هم شماری از متنفذان شهر مانند متولی و مشرف و سه نفر سرهنگ در آن مسکن دارند و هم گروهی از غالمان باغ‌ها (ص ۱۷۵ و ۱۹۲) ریض به دو بخش «بالایین» و «پرین» تقسیم شده است. به نظر می‌رسد معنای بالایین و زیرین، وجود فراز و شیب در شهرستان باشد. ریض بالایین نسبت به ریض

ت. ۱۳. «شهرستان» رشیدی.
ترسیم نگارنده

قدرتی زمین دراز که اسم باغچه دارد
در پس آن تابخانه و روشنایی آن
از آن است و روشنایی صفة سراجه
همچنین^{۱۷۸} (ص)

۶۷ علاوه بر پیشینه استفاده از
سقفهای سبک و چادری در ایران
که به دوره هخامنشی باز می‌گردد،
در دیوار سپیاری از بناهای اجری به
هنگام احداث بنای زدن سقفهای
سبک بعد از اتمام بناء، سوراخ‌هایی
برای ستن داریست ایجاد می‌شد.

۶۸ «سراجه ناقشی کرده که در دهلیز
خانقاہ پراپر مطرب است، اشکوب
زیرین غیر پالین [...] کنانی که

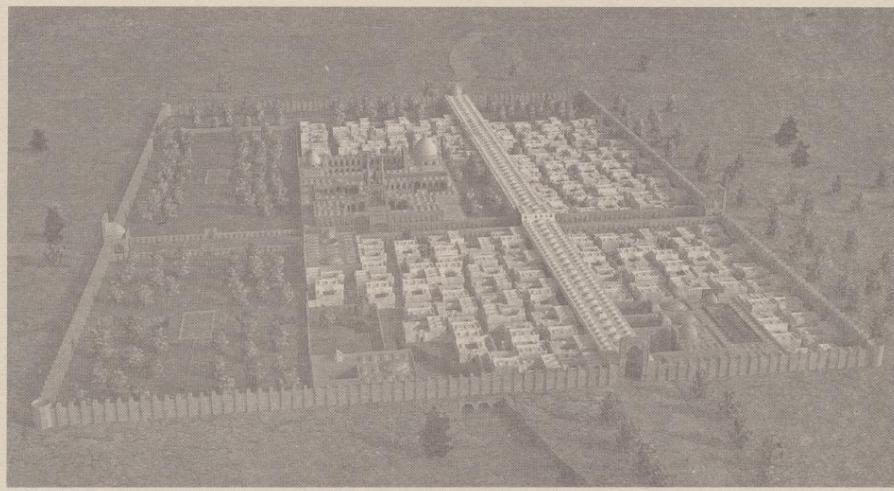
بر صفحه دارد، از جانب شرقی و در آن
در صفحه است [...] یک دیوار آن با
باغچه است [...] در آن تابخانه از آن
باغچه صفحه باشد^{۱۷۹} (ص)

۶۹ «سراجه بالا [...] سراجه‌ای
که شیخ در آن باشد در خانقاہ»
(ch. ۱۹۶).

۷۰ شاهنشاهی خانقاہ، سه موضع:
از آن نفه، از آن طبس، از آن
تابخانه^{۱۷۶} (ص)

۷۱ «[...] قدری زمین دراز که اسم
باغچه دارد در پس آن تابخانه»
(ص. ۱۷۸). گفتنی است که جهات‌های
بلند و باریک با گوشه‌های بُخ
شده در پیشتر شهرها می‌باشند از
روزگار ایلخانان است: نک: وبلر و
گلبک، معماری تمیوزی در ایران
و توران، ترجمة کرامات‌الله افسر و
محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان

۷۲ میراث فرهنگی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۴.



شاید هر محله برای خود حمامی مستقل داشته است. از میان این حمام‌ها، تنها موقعیت «حمام بالا» تا حدی آشکار است. از متن وقفاتنامه چنین بر می‌آید که این حمام پایین تر از باغ رشیدآباد و بالاتر از ریض بوده است.^{۱۹۰}

و، کاغذخانه: در متن وقفاتنامه چندین بار نام این فضا ذکر شده است، اما موقعیت آن در شهرستان رشیدی مشخص نیست. در طرح حاضر، کاغذخانه را در کار گازرگاه و جامع نموده اند. شاهنشاهی خانقاہ، سه موضع: از آن نفه، از آن طبس، از آن تابخانه^{۱۷۶} (ص)

۷۲ [...] قدری زمین دراز که فضاهایی خدمتی اند — جای داده‌ایم.^{۱۷۷}

شهرستان — که فضاهایی سرخاب سرازیر می‌شوند و
طويل و کم عرض است که با طاق و تویزه پوشش یافته
و فضاهای آن را با ستون‌هایی سنگی از هم جدا کرده‌اند.
می‌توان تصور کرد نمونه‌ای که در تبریز و در «ربع رشیدی»
وجود داشته، از بسیاری جهات شبیه این نمونه بوده است.
از مهم‌ترین مسائلی که در این نمونه فضاهای شهری نمود
می‌یافتد، استفاده بینیان از آب و صرفه‌جویی در صرف آن و
 محل استقرار آنها در سازمان‌دهی شهری بود.

۷۳ ه. گازرگاه (رختشوی خانه): این فضا در جانب ایسرا شهرستان قرار داشته است.^{۱۷۷} همه فاضلاب‌ها در نهایت به گازرگاه می‌رسید.^{۱۷۸} در این طرح، موقعیت آن در غرب شهرستان و در پایین ترین نقطه در نظر گرفته شده است. گازرگاه نمونه‌ای است از بنای‌های عام‌المنفعه و رعایت نکات بهداشتی و نیز پوشش آن بسیار حائز اهمیت است.

نمونه دیگری بارمانده از این دوره، یعنی گازرگاه زنجان، بنایی طولی و کم عرض است که با طاق و تویزه پوشش یافته و فضاهای آن را با ستون‌هایی سنگی از هم جدا کرده‌اند. می‌توان تصور کرد نمونه‌ای که در تبریز و در «ربع رشیدی» وجود داشته، از بسیاری جهات شبیه این نمونه بوده است. از مهم‌ترین مسائلی که در این نمونه فضاهای شهری نمود می‌یافتد، استفاده بینیان از آب و صرفه‌جویی در صرف آن و ه. حمام: شهرستان رشیدی دارای چندین حمام بوده است.

که مناقاتی با طرح حاضر ندارد.

ط. انبارها: در شهرستان رشیدی انبارهای متعددی وجود داشته است^{۱۳۵}; اما از آنجا که در وقفا نامه ذکری از آنها نیامده، در طرح فرضی مکان یابی نشده‌اند.

ی. ضرابخانه:^{۱۳۶} ادر شهرستان رشیدی سکه ضرب می‌کردند و در مکاتیب رشیدی (مکتوب ۵۳) هم از ضرابخانه رشیدی سخن رفته است؛ اما در وقفا نامه ذکر آنها نیامده و لذا در

طرح فرضی به آنها پرداخته نشده است. «ت ۱۱ و ۱۳»

در پایان، ذکر توضیحی درباره باروی شهرستان رشیدی ضروری می‌نماید. علاوه بر توضیحات و جملات وقفا نامه، در بررسی شهرهای این دوره همچون تبریز و سلطانیه و سبزوار، می‌توان نتیجه گرفت که شهرها در این روزگار بارو داشته‌اند.

البته در بسیاری از این شهرها هدف از احداث بارو امور اقتصادی بوده است نه مسائل نظامی؛ چرا که ایلخانان در این زمان حکومتی قدرتمند و شکست‌ناپذیر تبدیل شده بودند. از متون تاریخی نیز — که پیش‌تر ذکر شان رفت — می‌توان دریافت که در این دوره بارو را برای نظرات بر تجارت و آمد و شد شهرها بریا می‌کردند. به احتمال بسیار، در ربع رشیدی نیز انگیزه احداث بارو همین مقاصد، به خصوص نظرات بر رفت و آمد کارگزاران و مهمانان، بوده است.

در منطقه کنونی ربع رشیدی آثاری از چند دیوار به جا مانده است. به باور ویلبر اینها همان دیوارهای اصلی بوده‌اند. اسکندریک منشی در تاریخ عالم‌آرای عباسی از ساخت دیوارها و برج‌های در دوره صفویان سخن می‌گوید. هوفمان محدوده «ربع» را در طرح خویش با دیوارهای به جا مانده امروزی مشخص کرده است. شیلا بلر نیز در طرحش چنین فرض کرده است که دیوارهای موجود مربوط به دوره صفویان را بر جای دیوارهای عهد ایلخانان استوار کرده‌اند. اما سعیدنیا نیز هم برای ربع و هم برای شهرستان بارو ترسیم کرده اما توضیحی نداده

خانقه، آنجا که شهنشاهی تاب خانه است و نام آن روزنامه‌الحالات است» (ص ۱۹۶).

۷۳ «سقا خانقه و مجاوران حجرها و مطلع آن و مجاوران سایبان خانقه و مصر آن تا درگاه روضه و درگاه مناره و سقا به که در آن مر است» (ص ۱۸۹).

۷۴ «شرابخانه و مخزن ادویه با رواق‌هایی که مطبخ و کاباخانه و مسکن بعضی عمله در آنجاست و سرای طبیب که آن نیز بدان متصل است» (ص ۲۲).

۷۵ «[...] برخی حجره‌ها که بر بالای دارالشفات» (ص ۳۳). ۷۶ آن چنان‌که در باب پنجم دیدیم، پیشتر بنایی این دوره چهارابویانی بوده است.

۷۷ «باید که آن طبیب قادر باشد بر درس طب گفتن و دو معلم را همواره درس گوید بر رواق دارالشفات نزدیک شیکه از جانب جنوب و آن رواق معروف است به رواق العربین» (ص ۱۲۵). از دوره ایلخانان به جای دیوار سلسله‌ای از طاق‌ها به کار رفته است. این نوع طاق‌ها مانند آنچه در اطراف صحن مسجد دیده می‌شود، ممکن است باز اینکه چون طاق‌هایی همچو بنا سنته باشند.

رواق‌های اطراف صحن مدارس و بنایی دیگری که شامل چندین حجره است بستانه، اما در دیوار بشتی دری است که این حجره‌ها، که غالباً دو طبقه‌اند، باز می‌شود؛ نک ویلبر و کلپک، همان، ص ۱۱۵.

۷۸ «طبیب بر در شیشه بشنیدن و هر چیز که به کنسی پایسد دادن بر کاغذی نویس» (ص ۱۴۷). «هر کس کی چیزی خواهد، به در شیشه آید

نتیجه

با عنایت به پژوهش‌های انجام یافته در زمینه شهر ربع رشیدی، این طرح از روی سازمان شهرهای ایرانی - اسلامی، با برخی تفاوت‌ها و نوادری‌های جدید، به دست آمده است. تا به امروز گلکی سازمان فضایی این شهر، همچون دیگر شهرهای ایرانی، ترکیبی از ربع و ریض و شهرستان، و نوادری نهفته در آن، جایه‌جایی ریض و شهرستان در نظر گرفته شده است.^{۱۳۷} با توجه به مطالعات نگارنده در زمینه شهرهای دوره ایلخانی و مهمتر از آن بر اساس توصیفات وقفا نامه و تقسیم‌بندی کلی فضاهای مجموعه ربع رشیدی به دست خواهه رشیدالدین، سازمان فضایی شهر را به صورت تلقیقی از دو حالت زیر می‌توان رایه کرد:

۱. «ربع» و «شهرستان»: با مطالعه دقیق وقفا نامه در می‌یابیم که تمامی فضاهای در دو مجموعه کلی «ربع» و «شهرستان» دسته‌بندی و توصیف شده است.^{۱۳۸} ریض در سازمان فضایی ربع رشیدی جایگاه پیشین اش را نداشته و طبق متن وقفا نامه، زیرمجموعه‌ای از شهرستان یا، به بیان بهتر،

۱۴. سازمان فضایی ربع رشیدی،
ترسمی نگارنده

و بیرون به صفاتی که به در شیوه
سنتی بینشیدن تا از شبکه بتوانند و
بازگردید» (ص ۱۸۲).

۱۹ «شرابخانه و مخزن آبیه با
رواق‌المرتبین که مطبخ و کابخانه
و مسکن بعضی عمله در آنجا باشد»
(ص ۳۲). «مریمین» بیماران دائمی
و سه قادمه‌دان: برخلاف بیماران
اتفاق.

۲۰ «مسر داروخانه تا درگاه اولین
روضه که ان درگاه اینم است»

(ص ۱۸۹).

۲۱ «جهت هدیله خانه متولی
و رواق‌المرتبین یک قندیل»

(ص ۱۶۷).

۲۲ «جهت مسر کوچه مشرف و
رواق‌المرتبین یک چراغ» (ص ۱۵۹).

۲۳ «مسکن او در آن خانه باشد که
در جنب دارالشقافتست به جانب اینم
که آن معروف است به دارالطیب»

(ص ۱۴۵).

۲۴ «مسکن ایشان در حجرهای
پایین که بر پشت حوالی داروخانه
است باشد» (ص ۱۴۶).

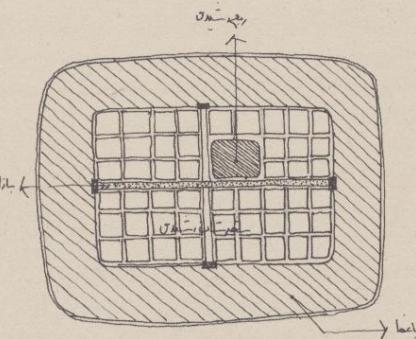
۲۵ «جهت هدیله داروخانه یک
قندیل» (ص ۱۶۷).

۲۶ «سرای مشرف و آن متصل است
به دارالشفا و یک جانب آن با کوچه
سرای متولی و حد دیگر با کوچه‌ای
که به روضه می‌رود» (ص ۱۳۳).

۲۷ «مسر کوچه مشرف و
رواق‌المرتبین» (ص ۱۵۹).

۲۸ «دو خانه تو در تو توصیف شده
است.

۲۹ «و آن دو سرای است: در آن



محله‌ای از محله‌های شهرستان بوده و متعلق به طبقه‌ای خاص
نبوده است.^{۱۹} همچنان که متولی و مشرف و ناظر در ریض
ساکن بودند (ص ۱۷۵)، بسیاری از غلامان بخش‌های مختلف
ربع و باغ‌ها هم در آن مسکن داشتند.^{۲۰} ریض نه تنها در حومه
شهر واقع نبود، بلکه نزدیک‌ترین محله به هسته مرکزی شهر
— «ربع» — بود. در این شهر ریض و شهرستان با هم تلفیق
شده‌اند. اصطلاحات «ریض بالا» و «ریض پایین» نیز که در
وقوفنامه آمده، صرفاً اشاره به دو محله است که به لحاظ ارقام
یکی نسبت به دیگری در مکانی بلندتر واقع بوده است.

۲. محور بازار و «مرمر بزرگ»: چنان که پیش‌تر آمد، ساختار
این شهر از پیش طراحی شده و شطرنجی بوده است. از طرفی
دیگر، اهمیت تجارت در دولت ایلخانان، سبب توجه بیشتر به
دوازدها، جهت قرارگیری، و حتی افزایش تعداد آنها در شهرها
گست. گفتنی است که تعداد دوازدها در شهرهای ایلخانی
دست کم چهار دوازده — نه صرفاً در جهت‌های اصلی، بلکه به
سمت شهرهای مهم پیرامون و در راستای شکل گیری بازارهای
خطی — بوده است. در شهرهای شطرنجی، دوازدها دو به دو
— معمولاً به شکل عمود بر هم — به یکدیگر متصل شده و
سبب ایجاد بافتی منظم و محورهای قوی و سازمان دهنده شهر
می‌شوند. در ربع رشیدی نیز شاهد حضور دو محور «اصلی» —
امتداد محور دوازدهای روم — عراق، و محور دوازدهای تبریز
— مقان — هستیم. این محورها معيار استقرار سایر فضاهای
شهری در پیرامون خود گشته‌اند و بازار نیز در امتداد یکی از این
محورها، کل شهر را از دوازدهای تا دروازه دیگر می‌پیماید.^{۲۱}

هر چند بازار عصری مهم در ربع رشیدی است، در
سازمان فضایی شهر، چنان که شایسته است، به هسته مرکزی
نزدیک است، بلکه در تعاملی قوی با شهرستان، در مقام کانون
فعالیت‌های اجتماعی مطرح است. همچون گذشته، محل تقاطع
این دو محور به منزله مکانی مهم در سازمان فضایی شهر
مطرح می‌شود؛ با این تفاوت که «هسته شهر» نه در این مکان،

یکی در آن دیگر بوده و هر دو معروفاند به دارالمتوالی سارای مراجع تختانی و فوکانی و زیرزمین که در آنجاست و خزانه نقود و اجناس در آنجا باشد» (ص ۷۷۵).

کتاب‌نامه

- استوار با فضاهای کالبدی مجاور بود و ماهیت فضایشان از این فضاهای مستقل و جدا نبود. استقرار فضاهای و فعالیت‌ها در شهر، تابع نظم و سلسله‌مراتبی سنجیده بود و تمامی فضاهای با لحاظ کارکرد، غالباً کالبد مناسبی برای زندگی (بودن در محیط) فراهم می‌کرد.
- ایلی، شمس الدین محمد بن محمود. نفایس الفنون فی عراس العيون، به تأثیر نظم و سلسله‌مراتبی سنجیده بود و تمامی فضاهای با لحاظ کارکرد، غالباً کالبد مناسبی برای زندگی (بودن در محیط) فراهم می‌کرد.
- چونی، عطاملک بن محمد. تاریخ چهانگشا، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، ۱۳۷۱.
- . تاریخ چهانگشا، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران، فردوس، ۱۳۸۵.
- چهانگلو، امیرحسین. تاریخ اجتماعی دوره مغول، اصفهان، کتاب‌فروشی تایب، ۱۳۳۶.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ذیل جامع التواریخ رشیدی، به اهتمام خان‌بابا یانی، تهران، انتخاب اثار ملی، ۱۳۵۱.
- حافظ حسین کربلاجی تبریزی، روضات الجنان و جنت الجنان، تصحیح جعفر سلطان‌القرابی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۴۹ و ۱۳۴۴، ج. ۱.
- جیبی، محسن. از شارتا شهر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- حمدانه مستوفی قزوینی. تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوابی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- . نزهة القلوب، به تصحیح و تمشیه محمد دیرسیاقی، تهران، ۱۳۷۸.
- خواندیمیر، غیاث‌الدین. تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد پیش، زیر نظر محمد اسدکندریکی منشی. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، دیرسیاقی، تهران، کتابخانه خیام، ۱۳۳۳، ج. ۲.
- دانش‌سرخوه، محمد‌دقیق. مقدمه سوانح الافکار رشیدی، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز استاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، ش. ۲۸.
- دیرسیاقی، محمد. مقدمه جامع التواریخ (تاریخ فرقه اسماعیلیان الموت)، تهران، طهوری، ۱۳۳۷.
- دلاوله، پیترو. سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- دولتشاه سمرقندی. تذکرة الشعرا، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
- رجب‌زاده، هاشم. خواجه رشید‌الدین فضل‌الله، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷.
- رشید‌الدین فضل‌الله همدانی. تاریخ مبارک غازانی (دادستان غازان‌خان)، به
- ایلی، شمس الدین محمد بن محمود. نفایس الفنون فی عراس العيون، به تأثیر ابراهیم میانجی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۹.
- ایتی، عبدالحمد. تحریر تاریخ وصف، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- این ساز اردبیلی. صفوۃ الصفا: در ترجمه احوال و احوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اریلی، مقدمه و تصحیح غلام‌رضا مجد، ۱۳۷۳.
- . صفوۃ الصفا، به کوشش احمد بن کریم تبریزی، بمیلی، مشله» (ص ۷۶).
- این بطوطه، محمد بن عبدالله، سفرنامه این بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۱ و ۲.
- این خلدون، عبدالرحمن بن محمد. تاریخ این خلدون، ترجمه عبدالحمد ایتی، تهران، وزارت فرهنگ و امورآشیاء عالی، ۱۳۶۳.
- این طقطقی، محمد بن علی. تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- اسکندریکی منشی. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۳، ج. ۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرات‌البلان، به کوشش عبدالحسین نوابی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶-۱۳۶۸.
- اوحدی مراغه‌ای. دیوان، به کوشش سعید نفسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- بروئسکی، محمد‌هدی. بررسی روش ادواری و آموزشی ربع رشیدی، مشهد، استان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- بلر، شیلا. هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی، ترجمه هاشم بیهقی، ابوالفضل. تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، ۱۳۸۳، ج. ۳.

۹۵. گفتگی است که در این دوره مقابر

۹۶. «سرای متولی» (ص ۱۶۹).

۹۷. «جهت درسر که سرای متولی آنجاست و هاج خانه نیز آنجاست یک مشله» (ص ۱۶۸).

۹۸. «سقا داروخانه و دارالطبیب و مطبخ و شرابخانه و نوابع آن و دارالمتوالی و دارالمشرف و رواق‌المرتبین و مسر داروخانه تا درگاه اولین روضه که ان درگاه اینم است» (ص ۱۶۹).

۹۹. «سرایچای است که بر درگاه ایسرا روضه است با مراقق آن و اشکوب زیرین نیز در حکم او باشد» (ص ۱۷۶).

۱۰۰. «سرای ناظر ایسرا درگاه روضه است از جانب ایسرا» (ص ۱۷۳).

۱۰۱. [...] بیان و در تأسیستان در موضوع که آنرا مقتضی الابواب می‌گویند و آن صحن درگاه منواره و دارالضیافه است و در زمستان در دهیز روضه

که بالای آن دهیز مسکن ناظر که

مانند نایب متولی است فرو گیرند»

(ص ۱۶۷). «بواستان روضه یکی بر در

گاه اینم، یکی بر درگاه ایسرا» (ص ۱۶۸).

«اشکوب زیرین درگاه اینم و ایسرا» (ص ۱۶۷).

- کاپریل، آلفونس. مارکوبولو در ایران، ترجمه برویز رجبی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.
- گروسه، رنه. امپراتوری صحرائوردن، ترجمه و تحسیمه عبدالحسین میدکده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- _____. تاریخ مغول (چنگیزخان)، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، آزادمهر، ۱۳۸۴.
- متضوی، منوچهر. تبریز در روزگار خواجه رشیدالدین، مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- _____. مسائل عصر ایلخانیان، تبریز، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
- مورگان، دیوید. مقوله‌ها، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۱.
- ویلس، دونالد و لیزا گلمنک. معماری تمدنی در ایران و سوران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدبیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷.
- _____. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله. مجم‌البلدان، لاپریک و بروکه‌واس، فردیناند وستفلد، ۱۸۷۳-۱۸۷۴.
- اصیل، جحت‌الله. آران‌شهر در اندیشه ایرانی، در: مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (از ۲ بهم)، تهران، رسانه‌پرداز، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۸-۱۲۶.
- افشار، ایرج. «تاریخ معماری در ایران بر اساس متون فارسی»، در: رواق، سال اول (پاییز ۱۳۷۷)، ص ۳۷-۴۳.
- امیدیانی، سید‌حسین. «ربع رشیدی، مجتمع بزرگ وقفی، علمی، و آموزشی در تبریز (قرن هشتم هجری اسیزدهم میلادی)»، در: وقف، میراث جاویدان، سال هفتم، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۸)، ص ۷۱-۵۰.
- بلر، شیلا. «معماری و جامعه در دوره ایلخانیان: تحلیل وقف‌نامه رشیدی»، ترجمه مهرداد قبومی، در: گلستان هنر، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۷۷)، ص ۷۳-۴۸.
- جوادی، حسن. «ایران از دید سیاحان اروپایی در دوره ایلخانان»، در: پژوهشی‌های تاریخی، سال هفتم، ش ۴ (آذر و دی ۱۳۵۱).
- سعیدنی، احمد. «بیوپوشی در ربع رشیدی»، در: هنرهای زیبا، ش ۷ (تابستان ۱۳۷۹)، ص ۴۹-۶۰.
- _____. «بازآفرینی شهرستان رشیدی»، در: هنرهای زیبا، ش ۱۱ (۱۳۷۸).
- تحصیل و اهتمام کارل بان، اصفهان، پرسش، ۱۳۶۸.
- _____. تاریخ مبارک غازانی (داستان آیاچان و سلطان احمد و ارغون خان و کیاخاتون، قسمتی از جامع التواریخ)، به تصحیح کارل بان موتوون، انگلستان، مطبعة استفن اوستن، ۱۹۴۰.
- _____. مکاتبات رشیدی، گردآوری محمد ابرقوهی، به اهتمام محمد شفیع، دانشگاه پنجاب، لاھور، ۱۹۴۵.
- _____. جامع التواریخ (تاریخ اغوز)، تصحیح محمد روشن، تهران، میراث مکتب، ۱۳۸۴.
- _____. جامع التواریخ، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علیزاده، باکو، فرهنگستان علوم مجمهوری شوروی سوسیالیستی، ۱۹۷۵.
- _____. «وقف‌نامه ربع رشیدی»، چاپ عکسی، به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
- _____. «وقف‌نامه ربع رشیدی»، چاپ حروفی، به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.
- زین‌الدین بن حمدانه مستوفی، ذیل تاریخ کریم، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۷.
- شاردن، ڈان. سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توسع، ۱۳۷۴، ج ۲.
- شهاب‌الدین بن عزالدین فضل‌الله شیرازی (وصاف)، تاریخ و صاف یا وصف الحضره، به اهتمام محمد‌مهدی اصفهانی، ۱۳۹۶، ش ۱.
- شیمه، اسماعیل. سازمان فضایی شهری و منطقه‌ای در ایران در دوران قبل و بعد از اسلام، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۷.
- طاهر غلام‌رضا. مقدمه اطلاع‌الحقایقی تصنیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ج ۲.
- کاشانی، ابوالقاسم، تاریخ اوجایتو، به اهتمام مهین همبی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- کرمی، بهمن. مقدمه جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (متن کامل تاریخ مبارک غازانی)، تهران، اقبال، ۱۳۳۸، ج ۱.
- کلام‌دوخو. سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- کیانی، محمدبیوسف. پایتخت‌های ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
- _____. شهرهای ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۴-۱.

(ص). ۱۰۳ «سر در آن شبکه مذکور که آن برای محراب مسجد جامع است»
(ص). ۱۲۵

فلامکی، محمدمنصور، «مرتبت آرماتی ربع رشیدی»، در: کنگره طرح
احیای ربع رشیدی و فرهنگ و تمدن ایران عصر ایلخانی، تبریز، سنتوده،
۱۳۸۴

(تابستان ۱۳۸۱)، ص. ۴۱-۴۹

«جهت حمامات شهرستان
که در آن محلات باشد و جهت جامع
شهرستان و سقایه‌های آن و حوض
برد در دروازه تبریز از دروازه‌های
شهرستان نهاده، چهت هر یک آن
مقدار که مناسب باشد و استادان
مهدنس صواب دانند مقدار گردانند [...]»
فسله‌های آن چون از شهرستان بیرون
رود اکر به ترسو زاره کاره توان بردن
برند» (ص). ۱۱۱ «ایده آن تزدیک
قیصریه شهرستان رشیدی مقدار
پاپند که باشد تا حدود حمام شیدی و
خشکوای آن هم در اندرون شهرستان
بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و
مسجد شهرستان است» (ص). ۲۰۶

«ایده آن در داخل شهرستان به
جنب دیوار باغ اسلام رشیدی قفتح اباد و
موغان و از آنجا تا دو راه کوه سرخاب
می‌توان بریدن» (ص). ۲۷

«قواتی که از جانب پمین
رودخانه بربزی می‌باشد، در ممیز که
موسم است به مر این که آن از
بالای باغچه نی کس جاری شده بر
راه چاده کندرو و تا تزدیک در باغ
فتح اباد و دروازه عراق و از آنجا هم
بر چاده می‌آید تا پول سنجین که به
قرب خانقاہ جان دار است و از آنجا تا
کاروان‌سرای خاصه که مشهور است به
قبر تو و از آنجا به حصی تبریز که در
شش گیلان است و از آنجا به راه

می‌رود تا روذخانه به تزدیک دروازه
ری و آنجا در زیر روذخانه گذرانیده
که داخل روضه است» (ص). ۱۹۳

«امر دارالحفظ که آن عبارت
است از قبه و از مؤمنی که بر در
شبکه قبة قبلی است» (ص). ۱۹۴

«سراسان در پشت گنبد مسجد

به هم می‌رسند، آغار کرده به طرف

دروازه روم شهرستان همراه برده

شده معروف به مهر سرخاب» (ص). ۲۰۶

ادامه پانوشت‌ها در ستون متون،
سمت چپ

به ربع رشیدی نزدیک است و یک در
کوچه آن در مرمر بزرگ ربع رشیدی
است که بر بالا می‌رود و یک در دیگر
به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب
می‌رود» (ص). ۱۷۷

۱۱۲ «و چهت حمامات شهرستان
که در آن محلات باشد و جهت جامع
شهرستان و سقایه‌های آن و حوض
به بر در دروازه تبریز از دروازه‌های
شهرستان نهاده، چهت هر یک آن
مقدار که مناسب باشد و استادان
مهدنس صواب دانند مقدار گردانند [...]»
فسله‌های آن چون از شهرستان بیرون
رود اکر به ترسو زاره کاره توان بردن
برند» (ص). ۱۱۱ «ایده آن تزدیک
می‌گویند» (ص). ۲۳

۱۱۳ «جهت تا حدود حمام شیدی و
خشکوای آن هم در اندرون شهرستان
بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و
مسجد شهرستان است» (ص). ۲۰۶

۱۱۴ «ایده آن در داخل شهرستان به
جنب دیوار باغ اسلام رشیدی قفتح اباد و
موغان و از آنجا تا دو راه کوه سرخاب
می‌توان بریدن» (ص). ۲۷

۱۱۵ «جهت شده و مصلی
که از روپه بدان راه به جانب سقایه
می‌روند، یک چراغ» (ص). ۱۶۹

۱۱۶ «این بیست‌اعلیم خانه‌ای است
در روپه که بزرگترین خانه‌های
روپه است و مسکن معلم مجرد در
آنچا باشد» (ص). ۱۲۵

۱۱۷ «و به زستان جهه بزرگ که
در اشکوب زیرین است، در حوالی
صفه بزرگ و طول آن ده گز و عرض
آن هفت گز است» (ص). ۱۹۴

۱۱۸ «بزیرزمی در جنب گنبد در آن
پرا بر حمام است» (ص). ۱۹۴

۱۱۹ «سراسان در پشت گنبد مسجد
که داخل روضه است» (ص). ۱۹۳

۱۲۰ «امر دارالحفظ که آن عبارت
است از قبه و از مؤمنی که بر در
شبکه قبة قبلی است» (ص). ۱۹۴

۱۲۱ «[...] و مصر این و وسطانی
به هم می‌رسند، آغار کرده به طرف
دروازه روم شهرستان همراه برده
شده معروف به مهر سرخاب» (ص). ۲۰۶

ادامه پانوشت‌ها در ستون متون،
سمت چپ

قریر کرده که آب گرم از این گهره ... به باع فردوس بزند [...] و از آنجا بیرون آمده در جویی که معروف است **چهار چشم** هوی برآید اباشد به شهربستان رود و در محلات اسلامشهر باس ایسر آیجه از خواهدن مخانی ها و حمامات و سوگند و دیگر واوضی بزند و آنچه بخواهند در مرد ب سبیل شهر تبریز اندازند تا به شهر رود» (ص. ۲۱۳).

۱۳. **چهار چشم** سهون هم به لوله رسیدی **ذکور چهار لوله** این قسم است **حدود** برای رسی دیج رسیدی در زیر ایساها تهاده این از جهت خانی ها و شمسه های محلات است که در زیر آن افتاده «

۱۴. **سلطان الجایزو** از برای مدفع دود در اندرون عمارتی ساخته است این را ایواب البر نام نهاده [...] در آن از منفصل سرو از هر یک پنجه بری و به معنی سرای بزرگ گشوده صحن آن را از سینگ مرمر فرش ساخته و دیوان خانه بزرگ که دوهزار متر از آن کنجد و آن را کریاسی نام داده داشت و غیر اینها که ذکر کرده شد شاه و امرا عمارتی سپاری در اندرون که **کره هادن** نکه **حافظ ابرو**، **ذیل** مع **توپارچه** و **رسیدی** به اهمات نیا بیانی، **تهران**، **انجمان** آثار ملی،

۱۵. **معماریان**، ۶۹، ص. ۱۳۲.

۱۶. **باید** ای اینهارها که این گندم را که در روز بین زدن چنان سازند که به اضع مخالف پایند و اکثر در شهربستان رسیدی و بعضی در ربع رسیدی اشند [...] و اینهار آن بین باید که در آشکوب و جوان نمناک نباشد و جانی باشد خنک بوق» (ص. ۱۳۴).

۱۷. ضربان خانه به محمل می گفته اند که آنجا **سکه های** را وی زمان را ضرب کرده اند. به نقل از تاریخ طباطبائی، **بیان** عمر ایلخانان چهار ضرب خانه است که عبارت بودند از: تبریز،

آن افتاده و جهت حمامات شهرستان که در آن محلات باشند و جهت جامع شهرستان و سقایه‌های آن و خوض برگزیده در دوازه نیریز از دروازه‌های شهرستان نهاده «(ص ۲۱)».

۱۶۵) «و مطہری دیگر در بازار شهرستان رسیدی تا مسکنیان بی سر و سامان آن جایگاه طین کند و همان جایگاه آن دهند در دارالاسکنیه» (ص ۲۱).

۱۶۶) «چنانچه م محلات جانب ایسر شهرستان است، مقدور به لوله رسیدی مذکور نه اوله و این به اوله مذکور موزع است بر خانی‌ها و چشممه‌ها و سقایه‌های مواضع محلات این جانب ایسر به گازرگار که هم در این جانب است و مقسم است به سه تقسیم» (ص ۲۱).

۱۶۷) «مقسم اول آنجه به روضه رسی رو به اوله مذکور نه اوله و از انجا حرایه حمام بالا و در خانی که در ریض رسیدی است بدنه و باقی به محله صالحه صالحه به خانی ها بردن که در آن محلات وزیر استرسنخان و خوالی آن ساخته و مسازد و فضله این آبها به تمام گازرگار بزند» (ص ۲۱).

۱۶۸) «مقسم اول آنجه به روضه رسی رو به اوله مذکور دو اوله و از انجا حرایه حمام بالا و در خانی که در ریض صالحه به خانی ها بردن که در آن محلات بزیر استرسنخان و خوالی آن ساخته شده و مسازد و فضله این آبها به تمام گازرگار بزند» (ص ۲۱).

۱۶۹) «آنجه به جهت ساکنیان شهر نیریز به محلات پریزو شرقی و محلات اندرنی آن و حمامات آنجا قفت مسیل کرد و از اینجا حرایه حمام رسیدی شهرستان و کاذنهانه و حمام شنیدی که در محله شش گیلان است» (ص ۲۰-۲۴).

۱۷۰) «و در زمستان چون گفتمایه و

است نهاده شده، ضرورت است که همراه در چهار قسم سال اکثر آب این مهره را مشهور است به مرشدیاب زیرین باشد، ریگرا پاشد. و در تاسیستان باغ به آب محتاج بگشته باش، اعوچ از این مقام زیبات آید و خانه باغ است. مقرر کردادم» (ص ۲۳۲).

۱۲۳. «آنچه خانه محلاً جان اینم شهرستان و قصیره است، رسه لوله رشیدی مذکور شنست لوه. این شش لوله مذکور از مسکونی که بر بالای دنیا نهاده از اوردهام و مسمنی درگیر نهاده، از آن جمله دو لوله بر لوله مذکور چه محلات طلیف ایجاد افزار شده و چهار لوله جهت محلات که در زیر آن افتاده و قصیره متر. و شرط این است که این دو لوله جهت محلات طلیف ایجاد شده به هشت خانه بزرگ از م محلات و زیر استخان و حوالی آن ساخته و سازند و قفله این آبها به تمام گازرگاه برند» (ص ۲۳۱).

۱۲۴. «قسمس درم، به لوله مذکور سه لوله این قسم در خود موضعی نهاده ای بگهربزی های رسیدنیاب مذکور [...]». کرده بر رض ربع ریز شریدی رفته و این سه لوله جهت خانه محلاً عزایز است که این بر زین های پهلوان سید زیر بخشته های سرخان نهاده شد» (ص ۲۳۰).

۱۲۵. «جهربز مشهور به که بکهربز نزهه. ابده ان زدیک قصیره شهرستان رسیدی مقدار پانصد گز باشد تا حدود حمام رسیدی و خشکواهی آن هم در آذربون شهرستان بزیده شده تا انجا که در دوازه بزیر و سه مسجد شهرستان عزایز است که این بر زین های پهلوان سید زیر بخشته های سرخان بپسند» (ص ۲۳۱).

۱۲۶. «جهربز مشهور به لوله مذکور سه قسم به خود کریسان برع رسیدی زیر ایساها نهاده و آب آن چهت خانی ها و چشممه های محلات است که در زیر باشد و از بالاتر و از هیچ جای دیگر که از این مسیر دزدین ای برتوان گرفتن. خانه ای زمین که در تحت آن باشد نهند و همچنانه آب بر پشتنه و ریض جاری نشده» (ص ۲۳۲).

۱۲۷. «آنچه خانه محلاً جان ایسر شهرستان است مقدر به لوله رسیدی نه لوله. این نه لوله مذکور موزع است بر ایوانها و شنمشمه ها و سقایه های مواضع محلات این جان رسیده باز گاه که هم در این جان مبتدا و مقصمه است به رسیده بینی تقصیل. مقسام اول آنج به روضه موده به لوله مذکور دو لوله و از آنجا خانه حمام بالا و در خانی که در رض رسیده است بدهند و باقی به محله صالحیه به خانی بندان که در آن محلات وزیر استخان و حوالی آن ساخته و سازند و قفله این آبها به تمام گازرگاه برند» (ص ۲۳۱).

۱۲۸. «قسمس درم، به لوله مذکور سه لوله این قسم در خود موضعی نهاده ای بگهربزی های رسیدنیاب مذکور [...]». کرده بر رض ربع ریز شریدی و این سه لوله جهت خانه محلاً عزایز است که این ب دروازه روم نزدیک و از جانبی که به دروازه روم نزدیک باشد، قدر کیوک به مقدار سه نیکنی بزند که برگزیند و به خوش سنسکنین بزند که در آن دروازه داخل بارو نهاده. و بعد از آن تماض فضلته های این سه لوله آب را جمع کنند و با این که ترشح کیم کند ب سرخانی های بادام استان آذربون که گیند گوچک است، تماض که تا آنجا که بزرگ آن باز گاه بسیار پاشند». کارگاه بزند آن تا گاه کارگاه بسیار پاشند» (ص ۲۳۱).

۱۲۹. «جهون این هر مقسام که شرح داده شد یعنی بر رض ریز شریدی و یکی بر طرف شرقی آن و یکی بر طرف غربی این بنایان بدان نزدیک



بوسعیدیه، شهرستان رشیدی، قصیره.
به جز خرابخانه تبریز، سه نمونه دیگر
در شهرستان رشیدی بوده است؛ نکته:
جمال توابی طباطبایی، تاریخ تبریز
به روایت سکه و ضمیمه، تبریز، مؤلف،
۱۳۸۳ ص ۴۲.
 محلات شهرستان رشیدی که به ربع
رشیدی نزدیک است و بک در توجه
آن در مهر بزرگ ربع رشیدی است
که بر بالا می‌روند و بیک در دیگر به
جانب بازار که به راه دروازه سرخاب
می‌روند» (ص ۱۷۷) و «دهلیز بزرگ که
آن را مهر بزرگ می‌گویند و از بازار
که می‌گذرد، بر آنجا به بالا می‌رسد تا
باشند و از آن محله آنک متأهل باشد
اهل و عالی ایشان الله در شهرستان
رشیدیه سکون و باشند، چهت
خود خانه‌ها سازند یا به اجرت گیرند»
(ص ۱۷۰).
از مکاتب رشیدی.
۱۴۳. در وقفاتمه در تقسیم‌بندی
 محلات شهرستان رشیدی از محله
 صالحه به سبب اهمیت و نزدیکی به
ربع جداگانه، و از محله‌های دیگر با
عنوان سایر محلات داد شده و از ریض
نیز در میان همین سایر محلات سخن
رفته است (ص ۱۷۲).
۱۴۴. «خلافاً من ترك [...] مسكن ايشان
بعضی در ریض بالا وبعضاً در ریض
زیر» (ص ۱۹۲).
۱۴۵. «شرط آن است که چون حقاقة
خانیها و چشممهای این محلت عزایاد
مذکور تا آنجا که دروازه روم است،
تمام بدنه و از جانبی که به دروازه
روم نزدیک اوله باشد، قدری کی اوله
به مقدار اصبعی برگردند و به حوضی
ستگین بزنند که در آن دروازه داخل بارو
نهاده، و بعد از آن تمام فضلهای این
سهله اوله اب را جمع گشته و با آبی که
ترشح می‌کند، از شعبه‌های جانب بادام
استان تا آنجا که گذشت کوچک است.
 تمامت به گازرگاه بزنند تا آب گازرگاه
بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و
بسیار باشد» (ص ۲۱۱).
۱۴۶. «[...] که این ربع رشیدی عبارت
از دو موضع است که یکی پیشتر بنیاد
رفته بود و باروی آن کشیده و آن را
درگاهی ساخته که مغارها متصل آن
موغان» (ص ۲۰۷). «فتوانی که از
درگاه است و یکی دیگر پس تر بارو
کشیده و اختفای آن بارو اولین کرده
ممکنی که موسوم است به مهر ایمن
که آن از بالای باغچه نی کس جاری
بیرون آن ساخته و همسه به هم یکی